

C H E R A G H

چراغ



سال ۱۳۸۵ سال آگای
اجتماعی

پانزدهمین
پیش شماره ماهانه
فروردین ماه ۱۳۸۵

۱۵



WWW.CHERAGH.PGLO.ORG

تقدیم به شما

فاش می گویم و از گفته خود دلشادم
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم
طایر گلشن قدسم چه دهم شرح فراق
که در این دامگه حادثه چون افتادم
من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب آبادام
سایه طوبی و دلجویی حور و لب حوض
به هوای سر کوی تو برفت از یادم
نیست بر لوح دلم جز الف قامت دوست
چه کنم حرف دگر باد نداد استادم
کوکب بخت مرا، هیچ منجم نشناخت
یا رب از مادر گیتی به چه طالع زادم
تا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق
هردم آید غمی از نو به مبارکبادم
می خوردخون دلم مردمک دیده سزاست
که چرا دل به جگرگوشه مردم دادم
پاک کن چهره حافظ بسر زلف ز اشک
ورنه این سیل دمامم ببرد بنیادم

پیام سردبیر	۲
پیام های تبریک سال نو	۳
سازمان همجنسگرایان ایرانی در سال ۸۵	۶
همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی	۷
جنسیت شما چرا و چگونه تشکیل شده؟	۹
نوروز و سال نو ایرانی	۱۳
رابطه دو مرد از نگاه قانون	۱۴
دریچه	۱۶
طرح پیشنهادی کمیسیون مشترک	۱۷
از رنجی که می بریم: یک ضایعه مغزی	۱۸
آیا می دانستید که...	۲۱
تکلیف از منظر عدالت و اخلاق	۲۲
ولی خودم چه؟	۲۵
معافیت سربازی برای ایرانیان همجنسگرا	۲۶
مردانی که مرد نیستند	۲۸
خبرنامه بیداری متولد شد	۳۱
با سربلندی قدم برداشتن	۳۲
بیماری های مقاربتی	۳۳
چرند و پرند	۳۷
نامه سرگشاده یک همجنسگرا به رئیس جمهور	۴۴
فیلم آتشی که می سوزاند	۴۶
تازه های خواندنی	۴۸
دل بری	۴۹
نظرخواهی	۵۰
تماس با ما	۵۱

CHERAGH MAGAZINE
Cultural – Social

نشریه ی فرهنگی اجتماعی چراغ
صاحب امتیاز: سازمان PGLO

Sponsor: PGLO

سردبیر: پیام شیرازی

Editor: Payam SHIRAZI

ویراستار: نیما

Editor: Nima

طراح روی جلد: امیر حسین

Cover Designer: Amir Hosein

بانزدهمین پیش شماره: فروردینماه ۸۵

15th Pre-Issue: Feb 2006

Web Site:

www.cheragh.pglo.org

آدرس وب سایت:

E-mail:

editor@pglo.org

پست الکترونیکی:

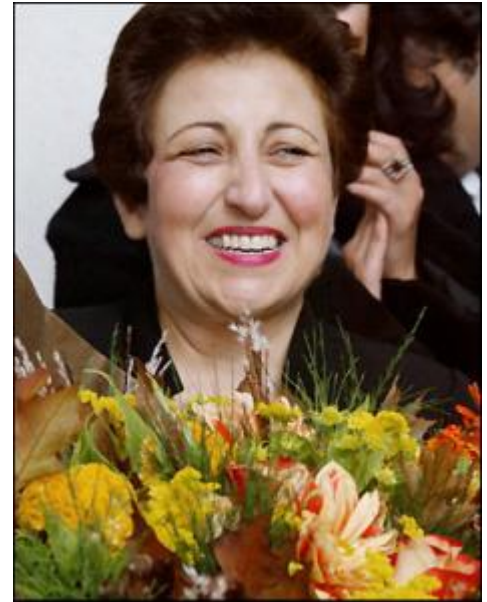
استفاده از مطالب این نشریه با ذکر منبع آزاد است

پیام سردبیر

پیام شیرازی

هشت مارس را با هر خشونتی که داشت پشت سر گذاشتیم. تجمع احقاق حقوق از دست رفته زنان با حمله و خشونت پاسخ داده شد که گویا زنان میهن ما به عنوان نیمی از اجتماع ایران حق برگزاری تجمع و دریافت حقوق خود را ندارند.

این در حالی است که دو سال پیش با برگزیده شدن خانم شیرین عبادی به عنوان برنده جایزه صلح نوبل نشانگر تلاش صلح طلبانه جامعه ایرانی بود که شیرین عبادی به جای یکی از فرزندان کوروش آنرا به دست آورد.



آن چه که در تاریخ معاصر ایران مشهود است تلاش تمامی گروه های اجتماعی ایران برای بدست آوردن حقوق عقب نگه داشته شده شان است و جامعه همجنسگرایان ایرانی و سایر اقلیت های جنسیتی همچون دوجنسگرایان و دوجنسگوناگان که جایگاه حقوقی و اجتماعی آنها در ایران مورد تهدید است نیز در این اردو محسوب می شوند و باید در این مسیر احقاق حق برای آزاد بودن و رسیدن به برابری اجتماعی حضور داشته باشند.

با برنده شدن خانم عبادی به عنوان یکی از اعضای این اردو، فعالین اقلیت های جنسیتی ایران نیز همچون سایر مبارزان وی را به عنوان شخصیتی که با پشتوانه بین المللی از حقوق آنها حمایت خواهد کرد و دست کم به عنوان یک مدافع حقوق بشر جهانی که در ایران زندگی کرده و از سلب حقوق اجتماعی و قانونی که در ایران نسبت به اقلیت های جنسیتی انجام می شود سخن به زبان خواهد آورد شناخته بودند و جایگاه خاصی را در معادلاتشان به وی اختصاص داده بودند. اما با توجه به سخنان اخیر خانم شیرین عبادی با روزنامه نگار هلندی گویا باید مواظب باشیم که از یار خودی گل نخوریم. در این موقعیت بحرانی که دولت هلند از یک سو پیگیر تهیه قطعنامه ای علیه ایران در اتحادیه اروپا است و از طرف دیگر بازپس فرستادن همجنسگرایان پناهنده ایرانی را در دستور کار پارلمان قرار دارد، چاپ سخنانی همچون "همجنسگرایان در ایران راحت هستند" که تصویری متفاوت از آنچه که همجنسگرایان در ایران احساس می کنند قابل تامل است.

Where We Promote You...
Put Your Ads Here ,
www.cheragh.pglo.org
CHERAGH
چراغ
Persian Gay & Lesbian Magazine / CHERAGH
چراغ / نشریه همجنسگرایان ایرانی
ads@pglo.org
... جای آگهی شما در چراغ خالی است ...

پیام های تبریک سال نو

پیام نوروزی سازمان همجنسگرایان ایرانی

سال ۱۳۸۵ - سال آگاهی اجتماعی

سال و فال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت

سال خرم، فال نیکو، مال وافر، حال خوش

بادت اندر هر دو گیتی بر قرار و بر دوام

اصل ثابت، نسل باقی، تخت عالی بخت رام

لسان العیب حافظ شیرازی



سازمان همجنسگرایان ایرانی
Persian Gay & Lesbian Organization

سازمان همجنسگرایان ایرانی به نمایندگی از جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا و دوجنسگونه ایرانی فرا رسیدن جشن نوروز و بهار طبیعت را به تمام ایرانیان در سرتاسر دنیا شادباش عرض کرده و آرزومند است که سال ۱۳۸۵ خورشیدی سرشار از نیکی بوده و موفقیت روز افزون شما را در تمامی مراحل زندگی از پروردگار خواهان است. ما اقلیت های جنسیتی ایرانی نیز همسو با دیگر اقشار جامعه، خودمان را در تلاش برای داشتن جامعه ی آگاه و آزاد مسول دانسته و امیدواریم که بتوانیم در رشد فرهنگی و اجتماعی جامعه خود موثر واقع شویم.

سازمان همجنسگرایان ایرانی سال جدید را "سال آگاهی اجتماعی"

نام می نهد و در این سال بیش از پیش می کوشد که اطلاعات صحیحی را در موضوعات همجنسگرایی، دوجنسگرایی و دوجنسگونگی در اختیار جامعه ایرانی قرار داده و در آگاه سازی جامعه بکوشد.

سازمان همجنسگرایان ایرانی از تمامی اعضا، همکاران، روشن فکران و افراد آگاه در این زمینه ها درخواست می نماید که با ارسال مقالات و گزارشات برای روزنامه ها و مجله های داخل و خارج کشور به زبان های مختلف و همچنین با استفاده از خطوط تلویزیون ها و رادیوهای ماهواری ای حضور خود را اعلام کنند و در آگاه سازی افکار عمومی به سهم خود کوشا باشند.

شاد باشید و سربلند

آرین ورجاوندی

دبیر اول سازمان همجنسگرایان ایرانی



دوستان عزیز و مهربانم

بهار با همه ی زیبایی هایش آمد و مزده ای از طبیعت به ما هدیه داد و آن این است که در دل زمستان سرد و خشک امکان شکوفه دادن درختان وجود دارد زیرا که بهار آمده است. آرزو می کنم که سالی سرشار از موفقیت و کامیابی در پیش رو داشته باشید. امیدوارم که در این سال قدر همدیگر بدانیم و می در ساغر اندازیم. امیدوارم که در این سال حضور همدیگر را بیش از پیش حس کرده و دستانمان را در هم گره کنیم و با هم باشیم. برای تمامی دوستان و هم احساسان خودم آرزو می کنم که سالی سرشار از شادی و شادکامی در پیش رو داشته باشید و هر روزتان نوروز باشد و نورزتان پیروز.

شاد باشید و سربلند

ترانه فروهر

دبیر دوم سازمان همجنسگرایان ایرانی

آیین چراغ، خاموشی نیست!

درود بر یاران و همراهان

سال نو را به تمامی شما همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنسگونگان ایرانی و همچنین خانواده های محترمان تبریک گفته و امیدوارم در این سال شاهد هیچ اعدام، دستگیری و مجازات به خاطر همجنسگرا بودن نباشیم. از صمیم قلبم آرزو می کنم که در این سال تمامی پناهجویان در سرتاسر دنیا پذیرفته شوند و این بهترین هدیه برای ما در سازمان هست. امیدوارم که از تعداد پناهجویان کم شود و دیگر کسی به این دلیل از کشور فرار نکند. امیدها و آرزوها بسیار زیاد است و مجال همه آن ها نیست. از اهورای پاک می خواهم که این توان و قدرت را همانند همیشه بر ما هدیه دهد تا به جامعه ثابت کنیم که "ما نیز هستیم".



شاد باشید و سربلند

آرشام پارسی

سخنگو و دبیر حقوق بشر سازمان



صبا راوی - نماینده سازمان در هند

با آرزوی ۱۲ ماه شادی، ۵۲ هفته کامیابی، ۳۶۵ روز موفقیت، ۸,۷۶۰ ساعت سلامتی، ۵۲۵,۶۰۰ دقیقه عشق و ۳,۱۵۳,۰۰۰ ثانیه دوستی برای همه شما همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنسگونگان ایرانی در سرتاسر پهنه گیتی. امیدوارم که در این سال جدید بتوانیم رادیو هفتگی و اینترنتی خود را به یک رادیو ماهواره ای تبدیل کنیم و صدایمان را به خانه ها ببریم و بگوییم که ما همجنسگرایان جزو انکارناپذیر جامعه هستیم. سال آگاهی اجتماعی هست و وظیفه سنگینی بر عهده داریم. همه شما را دوست دارم و قلبم برای شما می تپد

شاد باشید و سربلند

آرزو صالحی

مدیر رادیو همجنسگرایان ایرانی - رها

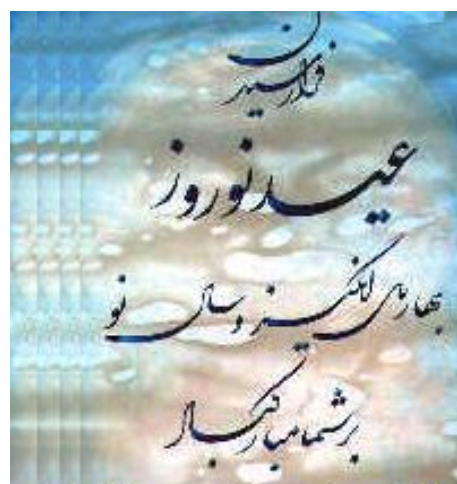
هومت ، هوخت، هووشت

باینده بادا ایران، زنده باد نورو باستانی، پیروز با آزادی

شاد باشید و سربلند

پیام شیرازی

دبیر فرهنگی سازمان همجنسگرایان ایرانی



بابک امیری نماینده سازمان همجنسگرایان ایرانی در فرانسه



در آستانه سالی نو :
 "برای تو و خویش چشمانی آرزو میکنم
 که چراغها و نشانه ها را در ظلمات مان ببیند
 گوشه‌ی که صداها و شناسه ها را
 در بیهوشی مان بشنود
 برای تو و خویش ، روحی که این همه را
 در خود گیرد و بپذیرد و زبانی که در صداقت خود
 ما را از خاموشی خویش بیرون کشد
 و بگذارد از آن چیزهایی که در بندمان کشیده
 است سخن بگوییم"
 مارگوت بیگل ، ترجمه ی شاملو
مهشید راستی - نوروز ۱۳۸۵

آغاز سال ۷۰۲۸ میترآریا ، ۳۷۴۴ زرتشتی ، ۲۵۶۵ شاهنشاهی و ۱۳۸۵ خورشیدی فرا رسیده است؛ چه زیباست که سال شمار خود را به دور از هر دین و مذهبی ، بر آمدن آریایی ها به سرزمین اهورایی بگذاریم ، سال ۷۰۲۸ آریا بر شما خجسته باد

یک همجنسگرای ایرانی

هیچ وقت شعار نداده ام...

که به زور لبخند بزنی

بعضی وقت ها باید

تا نهایت آرامش گریست...

آن گاه تبسمت زیباتر از رنگین کمان بعد از باران خواهد شد.

بالاخره بعد از یک سال تلاش و کوشش در سازمان همجنسگرایان ایرانی این فرصت به من دست داد تا من بتوانم به صورت مستقیم در ماهنامه وزین چراغ با شما صحبت کنم.

دوستان عزیز یک سال هم از عمر ما گذشت. آیا در طول این یک سال "من" گمشده خودتان را پیدا کردید؟ یا اینکه هنوز با خودتان کنار نیامده اید؟ از این پيله ای که به دور خود بسته اید بیرون بیایید و به حس زیبای پروانگی برسید. امیدوارم در این سال جدید ما بتوانیم خودمان را بیشتر باور کنیم و به مرحله خروج و اعلام موجودیت برسیم. ما هستیم، نفس می کشیم و می مانیم.

در پایان به همه همکاران در سازمان خسته نباشید گفته و امیدوارم در سال جدید خیلی بیشتر و پربارتر در راه رسیدن به اهدافشان کوشش کنند.

سال نو مبارک

شاد باشید و سربلند

مانی زانیار

دبیر سلامت سازمان همجنسگرایان ایرانی



سازمان همجنسگرایان ایرانی در سال ۸۵

آرین ورجاوندی - دبیر اول سازمان همجنسگرایان ایرانی

درود و شادباش مرا به مناسبت فرا رسیدن سال نو ایرانی بپذیرید.

آری دو سال و اندی هست که با حضور جدیدی پا به عرصه فعالیت گزارده ایم و با تشکیل سازمان همجنسگرایان ایرانی قدم در راهی نهادیم که آغازگرش همانا همت همجنسگرایان ایرانی بود و پایانی بر آن تصور نکرده ایم. راهی که عقل برای حرف اول و آخرش مهر سکوت به لب زده، راهی که ریاضیات و جبر و منطق ارزش خودشان را پیشکش او می کنند، راهی که مزد و درآمد و سود با نگاهی سرشار از شوق معنی می شود، راهی که شب هایش همراه اشکانان است و روزهایش امیدبخش فردایمان، راهی که همه چیز در اوست و عشق است و عشق و دیگر هیچ.

دومین سالگرد تاسیس سازمان همجنسگرایان ایرانی را در حالی جشن می گیریم که تپه های پرفراز و نشیب روزگار را پشت سر نهاده ایم و دشتی در روبرو داریم که فقط باید رفت و رفت تا به سرزمین موعود رسید. سرزمینی که در آن دیگر به جرم عشق سر بر دار نرود، سرزمینی که در آن تازیانه پاسخ بوسه نباشد، سرزمینی که در آن جرم و جنایت و گناه زینت بخش طناب گردنمان نباشد و سرزمینی که در آن آزادانه نفس بکشیم و حق را پاس داریم. اما برای رسیدن به این سرزمین موعود پای افزاری می خواهیم ستبر، کوله باری پر توشه، عصایی محکم و گام هایی استوار. دست هایمان را در هم گره می زنیم و برای سفری پرمخاطره آماده می شویم. سفری که به آسمانی رنگین کمانی خواهد رسید و آن روز نزدیک است.

سازمان همجنسگرایان ایرانی در طول مدت فعالیت خود سعی نموده است که همواره خواست ها و نیازهای شما را برآورده سازد و آن شود که از او توقع می رود و آن عملی نبوده مگر با همت خود شما دوستان و هم احساسان عزیز که یار و همراه ما بودید. لذا در این مجال از تمامی دوستانی که تا به امروز هر کدام به اندازه خود سهمی در این فعالیت ها داشته اند تشکر و قدردانی به عمل می آید و آرزو می گردد که روزی فرا رسد که به دور از هرگونه نگرانی بر سفره ای از خوان نعمت بنشینیم و خدا را پاس گوئیم از نعمت ها و آزادی هایی که بر ما هدیه فرستاده است. سازمان همجنسگرایان ایرانی در سال ۱۳۸۵ با کمک دوستان و مدافعان آزادی با همکاری جدید فعالیت خود را ادامه خواهد داد که به شرح زیر اعلام می گردد:

سرکار خانم ترانه فروهر به عنوان دبیر دوم سازمان

جناب آقای آرشام پارسی به عنوان سخنگو و دبیر حقوق بشر سازمان

جناب آقای پیام شیرازی به عنوان دبیر فرهنگی و سردبیر نشریه چراغ

سرکار خانم آرزو صالحی به عنوان مدیریت رادیو رها

سرکار خانم آوا هاشمی به عنوان دبیر نشریه هومن

جناب آقای مانی زانیا به عنوان دبیر سلامت سازمان

جناب آقای پیروز مهرآئین به عنوان دبیر اجتماعی سازمان

سرکار خانم سارا سالاری به عنوان مشاور اجتماعی

جناب آقای شایان رافعی به عنوان دبیر آموزشی سازمان

سرکار خانم مهرناز خجسته به عنوان مسول پروژه سیمای همجنسگرایان

جناب آقای عماد ایرانی به عنوان محقق و مشاور سازمان

جناب آقای صبا راوی به عنوان نماینده سازمان در هلند

جناب آقای بابک امیری به عنوان نماینده سازمان در فرانسه

امید است که بتوانیم قدمهای موثری را برای جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا و دوجنسگونه ایرانی برداشته و به آزادی و برابری برسیم. به امید آن روز

شاد باشید و سربلند

همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی

دکتر سیروس شمیسا

(مطالب منتشر شده در پیش شماره های قبل را مطالعه نمایید)

عین القضاة

عین القضاة از صوفیان بسیار فاضل بود و از او آثار قابل توجه بسیاری مانده است. این مرد استثنایی را به سبب سخنان بی پروایی که مطرح کرده است در سی و سه سالگی به دار آویختند. (۵۲۵ ه ق) در مورد شاهد بازی او به صراحت مطلبی ندیده ام اما از آنجا که شاگرد احمد غزالی بود نباید نسبت به عشق مجازی منکر بوده باشد.

در تمهیدات می نویسد: "جانم فدای کسی باد که پرستنده شاهد مجازی باشد که پرستنده شاهد حقیقی خود نادر است، اما گمان مبر که محبت نفس را می گویم که شهوت باشد، بلکه محبت دل می گویم و این محبت دل نادر بود" این بیت هم که در نامه ها آمده است ظاهر از اوست:

دیبا دانیم و برد رازی دانیم

ما عشق حقیقی و مجازی دانیم

اوحدالدین کرمانی

دیگر از مشایخ بزرگ صوفیه شیخ اوحدالدین کرمانی است که او هم به شاهدان میلی وافر داشته است. جامی در نفحات الانس می نویسد:

"پیش مولانا جلال الدین رومی قدس سره گفتند که وی شاهدباز بود اما پاکباز بود. خدمت مولوی فرمود که کاش کردی و گذشتی. و این رباعی وی هم بر این معنی دلالت می کند:

زان می نگرم به چشم سر در صورت

زیرا که ز معنی است اثر در صورت

این عالم صورت است و ما در صوریم

معنی نتوان دید مگر در صورت

و در بعضی تواریخ مذکور است که چون وی در سماع گرم شدی، پیراهن امردان چاک کردی و سینه به سینه ایشان باز نهادی. چون به بغداد رسید، خلیفه پسری صاحب جمال داشت و چون آن پسر این سخن بشنید گفت او مبتدع است و کافر، اگر از این گونه حرکتی کند وی را بکشم. چون سماع گرم شد، شیخ به کرامت دریافت، گفت:

سهل است مرا بر سر خنجر بودن

در پای مراد دوست بی سر بودن

تو آمده ای که کافری را بکشی

غازی چو تویی راست کافر بودن

پسر خلیفه سر بر پای شیخ نهاد و مرید شد. "در اینجا هم قضیه شاهدبازی تحت الشعاع قداست کشف ضمیر شیخ قرار گرفته است. جامی در ادامه بحث بعد از ذکر مطالبی در باب جمال حق می نویسد:

"پس عارف اگر حسن بیند چنین بیند و جمال را جمال حق داند متنزل شده به مراتب کونیه و غیر عارف را که چنین نشر نباشد باید که به خویان ننگرد تا به هاویه ی حیرت در نماند"

و سپس در دفاع از مشایخ شاهد باز می گوید که به احتمال قوی آنان در چهره خویان، جمال الهی را می دیده اند نه کمال جسمانی را و لذا عشق آنان عشق پاک و عرفانی است اما غیر عارف در این حد نیست و لذا باید از این امور خطیر پرهیز کند. اما شمس تبریزی نسبت به اوحدالدین کرمانی نظر خوبی نداشته است و این داستان معروف است که شیخ اوحدالدین می گفت ماه را در طشت می بینم و شمس تبریزی گفت اگر بر گردن دمل نداری چرا ماه را در آسمان نمی بینی؟ که اشاره است به اینکه صوفیان می گفتند جمال خدا را در خورویان می بینیم و شمس می گوید اگر راست می گوید چرا خدا را در ملکوت نمی بیند؟

"نقل است که خدمت شیخ اوحدالدین کرمانی را رحمه الله علیه آن جایگاه (بغداد) دریافت. (شمس تبریزی) پرسید که در چیستی؟ گفت ماه را در آب طشت می بینم، فرمود که اگر در گردن دمل نداری چرا بر آسمانش نمی بینی؟ اکنون طبیعی به کف کن تا تو را معالجه کند تا در هرچه نظر کنی درو منظور حقیقی را بینی" مولانا هم به تبع شمس تبریزی اوحدالدین را رد می کند:

"همچنان روزی حضرت مولانا فرمود که شیخ اوحدالدین در عالم میراث بد گذاشت.

هرکه او بنهاد ناخوش سنتی

سوی او نفرین رود هر ساعتی

نیکوان را هست میراث از خوش آب

آن چه میراث است اورثاالکتاب"

اوحدالدین کرمانی شاعر هم بود و به رباعی پرداز می معروف است. رباعیات او عمده عارفانه است اما در رباعیات عاشقانه معشوق همین امرد است. از رباعیات اوست:

جان طفل ره است و شادی دایه اوست

شاهد بازی همیشه سرمایه اوست

این صورت زیبا که توش می بینی

آن شاهد نیست لیکن این سایه اوست

شاهد بازم هرآن که انکار کنند

چون درنگی روز و شب این کار کنند

آن ها که بینی همه شاهدبازند

آن زهره ندارند که انکار کنند

(ادامه این مطالب را در شماره های آینده مطالعه نمایید)



جنسیت شما چرا و چگونه تشکیل شده است؟

شبیم - سایت زن شناسی

بگذارید مطلب را با یک پرسش آغاز نمایم، آن هم اینکه: «جنسیت شما چرا و چگونه تعیین شده است؟» پاسخ به این سوال منوط به پاسخ دادن به زیر سوالهای دیگری است:

«منظور از جنسیت چیست؟» و «آیا جنسیت تعیین شدنی است؟»

بنابر توافقات حاصل روانشناسان «جنسیت» یا همان «genus» لاتین، از چهار جزء تشکیل یافته است:

- جنس بیولوژیکی / ظاهر نر یا ماده : Sex
- تمایل یا گرایش جنسی: Sexual Orientation
- هویت جنسی / احساس روانی زن یا مرد بودن: Sexual Identity
- رفتار جنسی / اجتماعی | Behavior Sexual

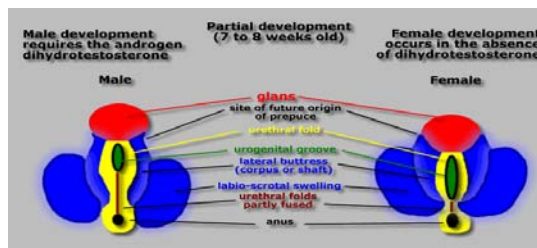
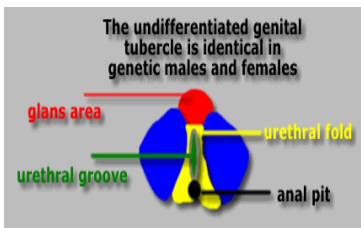
جنس بیولوژیکی

انسان به لحاظ زیست شناختی از لقاح تخمک و اسپرم، تشکیل گامت و در نتیجه رشد، تغییر و تکامل این توده سلولی بوجود می آید. هسته تخمک حاوی کروموزوم X (کروموزوم مجموعه کدهای ژنتیکی یا سخت افزار تعیین کننده فعالیتها سلول می باشد) است. ولی کروموزوم اسپرم هم می تواند X باشد و هم Y. سلولهای بدن انسان از دو جفت کروموزومی/2۳*۲=۴۶ تشکیل شده اند. در جریان آمیزش جنسی بنابر اینکه کدام اسپرم، X یا Y خود را زودتر به تخمک برساند، جنس جنین یا نر می شود یعنی: XY یا ماده: XX. البته انواع بیماریارگونه ترکیبات کروموزومی نیز وجود دارند، بعنوان نمونه: (XO۴۶: syndrome Turner's) و (XXY۴۶, XXX۴۶: syndrome Klinefelter's)

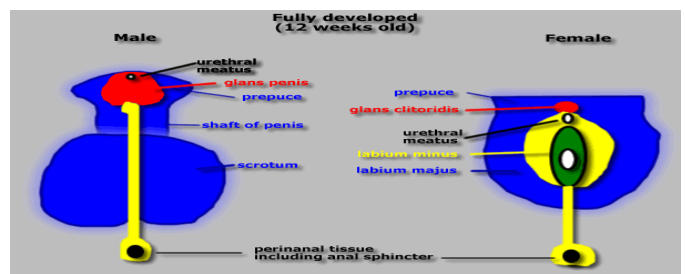
آلت تناسلی جنین در سه ماه اول حاملگی، از هر دو نوع لوله، «ولفین داکت/ Wolffian Duct» و «مولرین داکت: Mullerian Duct»، تشکیل شده است که در نهایت بترتیب تبدیل به آلت تناسلی مرد و زن می شوند. نزد جنین XY تستیکل ها/ خایه ها رشد یافته و از خود هورمون «Hormone MIH: Müllerian Inhibitory» را ترشح می کنند. این هورمون از رشد «مولرین داکت/ لوله "زنانه"» جلوگیری می کند. از

طرفی ترشح تستوسترون باعث رشد لوله "مردانه" / «ولفین داکت» می گردد. در جنین XX عدم وجود تستها باعث تحلیل رفتن لوله مردانه شده و لوله زنانه خود به خود، بدون نیاز به هیچ عامل محرکی به آلت تناسلی داخلی و خارجی زن تکمیل می شود. اشکال زیر

نشانگر این تغییر و تحولات می باشند:



اختلال در هر کدام از این مراحل باعث نقص جنسی فرد می شود. بعنوان نمونه در صورت نبودن گیرنده های هورمون تستسترون و لذا عدم وجود محرک، تغییر شکل ظاهری اندام تناسلی به مرد صورت نمی گیرد بلکه بصورت زن در می آید. البته رشد لوله زنانه از پیش سرکوب شده و رحم و تخمدانی در کار نیست ولی به جای آن



تستیکل ها در داخل بدن قرار دارند «Testicular Feminisation» بیماری دیگری نیز با نام «adrenal Congenital hyperplasia» نزد زنان وجود دارد. این بار در ترشح آنزیمی که برای تولید کورتیزول، هورمون تنظیم کننده ACTH لازم

است اختلال بوجود می آید. در نتیجه غده فوق کلیه در اثر تحریک بیش از حد ACTH بزرگتر شده و هورمون های جنسی را به میزان غیرعادی ترشح می کند. فزونی تستوسترون موجب تغییرظاهر آلت جنسی زن به مرد می شود، در صورتی که اندام جنسی داخلی اش، هنوز زنانه است. عمل جراحی در این مورد می تواند موجب بهبود وضعیت فرد شود.

گرایشات جنسی

تابحال شاهد توضیح مختصری پیرامون زیست شناسی جنسیت انسان بودیم. عاملی که فرد در تعیین آن نقشی ندارد. حال می پردازیم به انواع گرایشات و یا تمایلات جنسی انسان که اعم اند از:

- دگرجنس گرایی، Heterosexuality : گرایش به جنس مخالف
- هم جنس گرایی، Homosexuality : گرایش به جنس موافق
- دوجنس گرایی، Bisexuality: گرایش به هر دو جنس
- بی جنسی، Asexuality: عدم گرایش جنسی

فرد «بدل جنس» / *Transsexual* جزو این رده بندی قرار نمی گیرد، زیرا بدل جنس بودن گرایش نیست و تعلق به "جنس" مخالف یک خواسته یا آرزو نمی باشد، بلکه احساسی است که در تار و پود هویت جنسی شخص جای دارد. این افراد با هویت جنسی معینی، اما در بدن و قالب فیزیکی "اشتباه/مبدل" زاده می شوند و در طول زندگی خود شدیداً خواهان تغییر جسمی و نه جنسی خود توسط عمل جراحی هستند. به نظر من واژه «تغییر جنسیت» در واقع نامتعارف است، زیرا هویت جنسی، یعنی احساس روانی فرد از مرد یا زن بودن خود، تغییردانی نیست. فرض ترانسسکسوالیسم / بدل جنسی به عنوان یک بیماری روانی که توسط روان درمانی قابل معالجه باشد، نادرست است. متأسفانه بدلیل عدم آگاهی و مبهم بودن این مساله در جامعه و همین طور عکس العمل شدید و تنفرآمیز برآمده از کمبود تحمل اطرافیان در مورد اینگونه افراد، میزان افسردگی و اختلالات روانی ایشان بسیار بالا بوده و بنابرآمار ۵۰٪ این افراد تا سن سی سالگی خودکشی می کنند. افراد بدل جنس معمولاً از دوران کودکی خود را متعلق به "جنس مخالف" می دانند و نسبت به آلت تناسلی خود احساس تنفر شدید دارند.

دلایل بیولوژیکی و روانی ناملایمات جنسی

زیگموند فروید، معتقد است، همه انسانها در ابتدا دوجنس گرا هستند و در اثر تغییرات روحی روانی است که گرایش دوگانه آنها سرکوب شده و تنها به یک جنس گراییده می شوند. او این تئوری را بر اساس هرمافرودیت بودن انسان در دوره ای از رشد جنین، همانطور که در بالا توضیح داده شد، پایه بندی نمود. به عقیده او این دوران شرایط را برای گرایش به هر دو جنس مهیا می سازد که در نتیجه تکامل یکی از این گرایشات، "گرایش طبیعی"، میسر و دیگری بطور مخفی نزد فرد باقی می ماند. او دلیل همجنس گرا بودن "بیماران" را اختلال در شکل گیری "گرایش طبیعی" اعلام نمود. البته همه تئوریهای موجود راجع به ناملایمات جنسی در حد نظری می باشند و تا بحال هیچگونه توضیح علمی و قانع کننده راجع به آنها ثبت نشده است.

روانشناسان بر این باورند که عوامل بیولوژیکی به تنهایی نمی توانند گرایش به جنس موافق یا مخالف را توضیح دهند، بلکه این تمایلات وابسته به یک سری عوامل و متغیرهای روانی و اجتماعی نیز می باشند. مغز انسان و شاه راههای آن، در دوران جنینی پایه ریزی شده و اساس تفاوتهای ذهنی و روانی او با جنس مخالفش را تشکیل می دهند. گروهی منشاء ناملایمات جنسی را در تغییرات هورمونی اولیه در دوران رشد جنین و در نتیجه تکامل بیگانه سیستم عصبی آن، بخصوص بخش درونی اش به نام هیپوتالاموس می دانند. از لحاظ جسمی افراد همجنس گرا و یا بدل جنس هیچ مغایرتی با هم جنسان خود ندارند. مطالعاتی که تا کنون در زمینه مقایسه مغز دگرجنسگرایان و همجنسگرایان صورت گرفته، گویای تفاوت اندازه بخشی از هیپوتالاموس / *BSTc: Bed Nucleus of Stria Terminalis* میان مردان بدل جنس و مردان دگرجنس گراست، طوری که نزد مردان بدل جنس این بخش بیشتر به اندازه مغز زنان دگرجنس گرا شباهت دارد. البته این مطالعات پس از کالبدشکافی تعداد معدودی صورت گرفته است. آنچه نامعلوم است زمان بوجود آمدن این تغییرات می باشد، یعنی اینکه آیا وجود این تفاوت در وهله اول سبب شکل گیری

هویت فرد ترانسکسوال است، یا برعکس، یعنی عواملی دیگری که فرد بنابراین بدل جنس می شود/ زاده می شود، و در نهایت خود هویت جنسی فرد باعث بوجود آمدن این تغییر فیزیکی در مغز می شود؟

John Money و *benjamin Harry* از پیشروان مطالعات افراد بدل جنس ریشه اختلالات هویت جنسی را منوط به تغییرات ژنتیکی و هورمونی دوران جنینی و هم دوران رشد و تکامل فرد در دیگر مراحل زندگی و بعلاوه تاثیر شرایط محیطی برمی شمارند. *Domer*، محقق آلمانی پس از مطالعات آماری خود به این نتیجه رسید که بیشتر همجنس گرایان شهر برلین در طول جنگ جهانی دوم بدنیا آمده اند. او پس از آزمایشی که روی حیوانات انجام داد، تاثیر استرس در ایجاد تغییرات هورمونی در مغز جنین و در نتیجه تغییر هویت جنسی آنان را تاکید نمود. تا کنون پژوهشهای فراوانی برای فهم کارکرد مغز انسان صورت گرفته است که نشان می دهد بخشی از مغز به نام تمپورال لوب / *Temporal Lobe* مسوول رفتارهای جنسی انسان می باشد. نظریه ای در این زمینه وجود دارد که هرگونه خلل و آسیب دیدگی در این قسمت باعث کاهش کنترل افراد بر رفتارهای جنسی شان می شود و پیامد آن ناملاپماتی از قبیل فتیشیسم و ایگزیشونیسم و پان سکسوالیسم خواهد بود.

اما محیط پیرامون و افراد مرتبط با فرد نیز در شکل گیری هویت جنسی اش تاثیر گذارند. در متون تحقیقی روانشناسان به تاثیر خانواده در شکل گیری هویت جنسی فرد اشاره می شود. بعنوان نمونه مادرسالاری تصویر ترسناکی از زن را در ذهن فرزندان پسر می آفریند، و به همین خاطر ممکن است در آینده فرد از لحاظ جنسی به مردان "پناه" ببرد. پدرسالاری و کنترل شدید دختر نیز می تواند نتیجه مشابهی را داشته باشد. عوامل اجتماعی نیز در این جریان بی تاثیر نیستند. در همه جوامع یک سری هنجارها و پیش فرض هایی موجود است که نقش «دختر» یا «پسر» بودن را از قبل برای افراد جامعه تعیین می کند. *پرنس / Prince, 1967*، معتقد است که مردان دارای قابلیت مادرزادی برای ابراز "خود مونث / *feminie Self*" خویش دارند، اما الگوهای فرهنگی و اجتماعی و همین طور تربیت خانوادگی این استعداد را در آنها کور می کند. شاید تابحال در رسانه ها و یا به چشم خود مردانی را دیده باشید که لباس زنانه به تن می کنند. گفتنی است که بسیاری از این افراد همجنس گرا و یا بدل جنس / ترانس سکسوال نیستند بلکه «بدل پوش» / *Transvest* نامیده می شوند و علی رغم بدل جنسها، شاید رغبتی برای تغییر جسم خود توسط عمل جراحی نداشته باشند، اما از پوشیدن لباسهای جنس مخالف احساس مطلوبی می یابند. نزد بدل پوشان به شکل و شمایل زن در آمدن تنها موجب تحریکات جنسی و حالات شهوانی نمی گردد، بلکه جنبه عاطفی و احساس رضایت خاطر نیز برای اینگونه افراد می آفریند. به گفته *Docter/1988*، تجربیات جنسی نتیجه ای از تاثیر متقابل چندین عامل گوناگون و یا دقیقتر، ترکیب پیچیده ای از جریانات فیزیولوژیکی و روانی می باشند. یعنی مجموعه ای از عکس العمل های ادراکی که فرد توسط آگاهی، قضاوت و تعبیر تحریکات جنسی، فرد بدان نائل می شود. عکس العمل های ادراکی به نوبه خود پیش آهنگ جریانات فیزیولوژیکی می باشند. جدول زیر مقایسه ای بین سه گروه بدل جنس/ ترانس سکسوال، بدل پوش/ ترانس وست و همجنس گرا را نشان می دهد:

همجنس گرا - Homosex	بدل پوش - Transvest	بدل جنس - Transex	
همجنس گرا	دگر جنس گرا	همجنس گرا	گرایش جنسی
+	-	+	رفتارهای زنانه در دوران کودکی
++	+	-	شور جنسی
-/+	-	++	تنفر از آلت جنسی
+	+	-	دوره ای بودن عدم رضایت از جنس خود

نکته: میان تمایلات، هویت و رفتارهای جنسی می بایست تمییز قائل شد. مثلاً این که فردی بر اثر کنجکاوی با همجنس خود رابطه آمیزشی/سکسی دارد، دلیل بر هم جنس گرا بودن او نیست. بنابر آمار بسیاری از زنان و مردان مخصوصاً در دوره نوجوانی حداقل یک بار با همجنس خویش رابطه سکسی داشته اند. شاید برای چندی از شما تابحال پیش آمده باشد که این مساله را در حد تخیل، رویا و حتی خواب نیز تجربه کرده باشید و از بیان آن واهمه داشته اید. البته نگران نباشید، این نشان بر غیر عادی بودن شما نیست!

نتیجه گیری

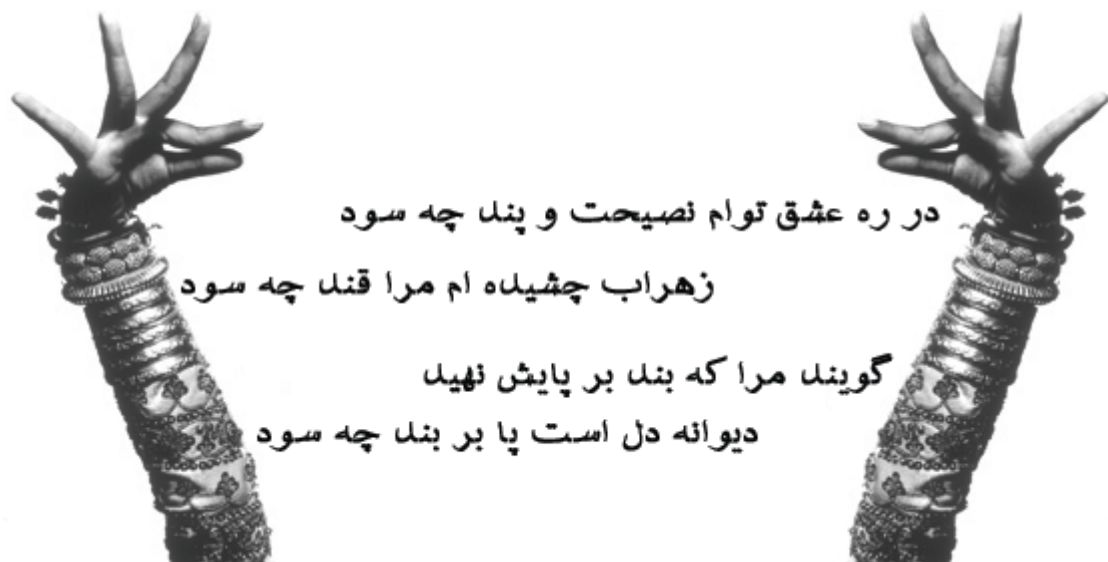
با کمی دقت متوجه می شویم که افراد در انتخاب جنسیت خود مختار نیستند و عوامل بسیاری در تعیین آن نقش دارند. بنابراین شایسته است که به جنسیت این گروه از جامعه که جنسیتی بجز دگرجنس گرایی دارند نیز احترام گذاریم. در خیلی از موارد با افرادی مواجه می شوم که هنوز تفاوت میان گروههای مختلف این گروهها را درک نکرده اند. بعنوان نمونه هیچ تفاوتی میان همجنسگرایان، پدوفیلها و بدل جنسها قائل نیستند! و با وجود فقر آگاهیهایشان در این موارد چنان تفری از این افراد دارند، که گویا آنها حششان را بنحوی پامال نموده اند. خوب این کینه توزی و تنفر از کجا سرچشمه می گیرد؟ بیشتر این افراد از آگاهی کمی نسبت به امور جنسی برخوردارند و شاید تابحال برخوردی نیز با افراد همجنس گرا یا بدل جنس نداشته اند. البته این مسائل در جوامع نسبتاً جدید می باشند. تنها سی سال است که همجنس گرا بودن از شمار بیماریهای روانی موسسه روانشناسان آمریکایی خارج شده است. بطور کلی انسانها نسبت به مسائل ناشناخته محیط اطراف خود عکس العمل محافظه کارانه و دفاعی نشان می دهند، علی رغم اینکه همجنس گرایی از زمان آنتیک و یونان قدیم و تقریباً در تمامی ممالک و مذاهب و فرهنگها وجود داشته است و در دوران کهن نیز جامعه بطور مبالغه آمیزی با این افراد رفتار می نمود. این مسائل امروزه بتدریج به رسمیت شناخته می شوند و در برخی از کشورهای اروپایی مانند سوئد، ده سالی هست که قانون ازدواج هم جنس گرایان به تصویب رسیده است. ولی با این وجود هنوز که هنوز است بسیاری تاب بحث و گفتگو در این موارد را ندارند. درست است که هنوز راه طاقت فرسا و طولانی برای کند و کاو و کشف اسرار طبیعت انسان باقی است، اما تنها عاملی که ما را برای نیل این هدف نزدیکتر می سازد همانا شناخت و آگاهی و پذیرا بودن برای بحث و گفتگوی آزادمنشانه در این موارد، غلبه بر بدفهمی ها، زدودن غبار خرافات از اذهان و از همه مهمتر پرورش هنر شکیبایی و تامل در مسائل بدون عجله برای قضاوت می باشد. در نهایت این مسائل نیز بخشی از انسانیت هستند و باید به آنها رسیدگی شود.

منابع:

Transsexualism i ett logopedisk perspektiv, Eva Söderpalm

Transvestism och det andra jaget, Sam Larsson - Sexologi, P. O. Lundberg

<http://www.gendertrust.org.uk> , <http://www.wikipedia.com>



نوروز و سال نو ایرانی

برگرفته از کتاب: تخت جمشید

می اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش که بخشد جرعه ی جامش جهان را ساز نوروزی



انسان از نخستین سال های زندگی اجتماعی، زمانی که از راه شکار و گردآوری خوراک های گیاهی روزگار می گذرانید، متوجه بازگشت و تکرار برخی از رویدادهای طبیعی، یعنی تکرار فصل ها شد. زمان یخبندان ها، موسم شکوفه ها، هنگام جفت گیری پرندگان و چرندگان را از یکدیگر جدا کرد. نیاز به محاسبه در دوران کشاورزی، یعنی نیاز به دانستن زمان کاشت و برداشت، فصل بندی ها و تقویم دهقانی و زراعی را به وجود آورد. نخستین محاسبه فصل ها بی گمان در همه

جامعه ها، با گردش ماه، که تغییر آن آسان تر دیده می شود صورت گرفت و بالاخره نارسایی ها و ناهماهنگی هایی که تقویم قمری با تقویم دهقانی داشت، محاسبه و تنظیم تقویم بر اساس گردش خورشید صورت پذیرفت.

سال در نزد ایرانیان همواره دارای چهار فصل نبوده، زمانی شامل دو فصل: زمستان ده ماهه و تابستان دو ماهه بوده و زمانی دیگر تابستان هفت ماهه (از فروردین تا آبان) و زمستان پنج ماهه (از آبان تا فروردین) بوده و سرانجام از زمانی نسبتاً کهن به چهار فصل سه ماهه تقسیم گردیده است. گذشته از ایران سال و ماه سغدی ها، خوارزمی ها، سیستانی ها در شرق و کاپادوکی ها و ارمنی ها در غرب ایران، بدون کم و زیاد همان سال و ماه ایرانی است.

آغاز سال

مردم شناسان را عقیده بر این است که محاسبه آغاز سال، در میان قوم ها و گروه های کهن، از دوران کشاورزی، همراه با مرحله ای از کشت یا برداشت بوده و بدین جهت است که سال نو در بیشتر کشورها در نخستین روزهای پاییز، زمستان و بهار می باشد.

پیدایش جشن نوروز

در ادبیات فارسی جشن نوروز را، مانند بسیاری دیگر از آیین ها، رسم ها، فرهنگ ها و تمدن ها به نخستین پادشاهان نسبت می دهند. شاعران و نویسندگان قرن چهارم و پنجم هجری، چون فردوسی، منوچهری، عنصری، بیرونی، طبری، مسعودی، مسکویه، گردیزی و بسیاری دیگر که منبع تاریخی و اسطوره ای اینان بیگمان ادبیات پیش از اسلام بوده، نوروز و برگزاری جشن نوروز را از زمان پادشاهی جمشید می دانند، که تنها به نمونه ای اشاره می شود.

جهان انجمن شد بر تخت اوی	از آن بر شده فره بخت اوی
به جمشید بر گوهر افشانند	مرآن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فرودین	برآسوده از رنج و تن، دل زکین
به نوروز نو شاه گیتی فروز	بر آن تخت بنشست فیروز روی
بزرگان به شادی بیاراستند	می و رود و رامشگران خواستند

محمد جریر طبری نوروز را سرآغاز دادگری جمشید دانسته است و ابوریحان بیرونی پرواز جمشید را آغاز جشن نوروز می داند: "چون جمشید برای خود گردونه بساخت، در این روز سوار شد، جن و شیطان او را در هوا حمل کردند و یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر در شگفت شدند و این روز را عید گرفته و برای یادبود آن روز در تاب می نشینند و تاب می خورند." خیام نوشته که جمشید به مناسبت بازآمدن خورشید به برج حمل، نوروز را جشن گرفت. در خور یادآوری است که جشن نوروز پیش از جمشید نیز برگزار می شده و ابوریحان نیز، با آنکه جشن را به جمشید منسوب می کند، یادآور می شود که "آن روز که روز تازه ای بود جمشید عید گرفت، اگر چه پیش از آن هم نوروز بزرگ و معظم بود"

مدت برگزاری جشن هایی چون مهرگان، یلدا، سده و بسیاری دیگر، معمولاً یک روز (یا یک شب) بیشتر نیست. ولی جشن نوروز، که درباره اش اصطلاح "جشن ها و آیین های نوروزی" گویاتر است، دست کم یک یا دو هفته ادامه دارد. ابوریحان بیرونی مدت برگزاری جشن نوروزی را، پس از جمشید یک ماه می نویسد.

رابطه دو مرد از نگاه قانون

آرشام پارسی - دبیر حقوقی سازمان همجنسگرایان ایرانی



زنی با افشای يك فيلم ويدیویی شوهرش را به اعدام كشاند

گروه حوادث: زن جوانی پس از دیدن يك فيلم از شوهر کشتی‌گیرش به دادگاه شکایت برد و قضات دادگاه جنایی توان مرد کشتی‌گیر را به استناد این مدرک به اعدام محکوم کردند.

مادرای این پرونده جنجالی زمانی آغاز شد که این زن جوان يك راز بزرگی از شوهر کشتی‌گیرش فاش کرد. این زن به مراجع قضایی گفت: چند روز پیش در کوف شوهرم يك فيلم رویوبی (چپ) پیدا کردم. کنجکاو شدم و فيلم را تماشا کردم. این فيلم بسیار وحشتناک بود و مرا تکان داد. در این فيلم صحنه‌هایی از شوهرم را با يك پیرمرد همجنس‌باز دیدم با دیدن این صحنه حالم بد شد و یکراست به دادگاه آمدم تا از شوهر کشتی‌گیر و آن پیرمرد فاسد شکایت کنم. این زن فيلم را در اختیار قضات قرار داد و قضات بعد از دیدن فيلم متوجه شدند که ادعای این زن سمت دارد و این جوان کشتی‌گیر بازداشت شد. جوان کشتی‌گیر پس از دستگیری مادرای هولناکی را فاش کرد و گفت: چند ماه پیش با يك پیرمرد همجنس‌باز آشنا شدم. این پیرمرد خیلی پولدار بود. يك روز مرا به خانهاش دعوت کرد و وده داد برایم خانه و ماشین آخرین مدل می‌خرید. من هم چون وضع مالي خوبی نداشتم قبول کردم و بعد هم او از نظر مالي به من می‌رسید. با پول همین پیرمرد بود که يك سالن ورزشی خریدم و به خانه و اتومبیل رسیدم. يك روز تصمیم گرفتم از دیدارهایمان فیلمبرداری کنم تا اگر پیرمرد چا زد و کتک مالی‌اش را قطع کرد با در دست داشتن این فيلم از او اخذی کنم اما این فيلم به دست همسرش رسید و...

پس از اعترافات این جوان کشتی‌گیر، قضات دادگاه کیفری دستور بازداشت پیرمرد را هم صادر کردند. پیرمرد هم در بازجویی‌ها به عمل کثیف و انحرافی خود اعتراف کرد. قضات دادگاه پس از محاکمه دو متهم به شور نشستند و در پایان جلسه هم جوان کشتی‌گیر و هم پیرمرد متجاوز را به اعدام محکوم کردند.

روزنامه اعتماد در ۲۵ اسفندماه ۸۳ حکم زیر را چاپ کرد که ما به مناسبت سالگرد این حکم آن را منتشر می‌نماییم. شایان ذکر است که در طول این یک سال هیچ خبری از این دو نفر در دست نیست و از سرنوشت این متهمین بی اطلاع هستیم. همچنین گزارش‌هایی از وجود افراد همجنس‌گرا و دوجنس‌گونه در زندان‌های ایران مخابره شده است

که محکوم به اعدام شده‌اند و اخبار جدیدی در دست نیست. از تمامی خوانندگان درخواست می‌گردد که چنان چه هر اطلاعاتی در دست دارند ما را مطلع نمایید. این تنها یک حکم اعدام به جهت ارتباط جنسی دو مرد است و در شماره بعد بیشتر به آن می‌پردازیم.

"زن جوانی پس از دیدن يك فيلم از شوهر کشتی‌گیرش به دادگاه شکایت برد و قضات دادگاه جنایی تهران مرد کشتی‌گیر را به استناد این مدرک به اعدام محکوم کردند.

ماجرای این پرونده جنجالی زمانی آغاز شد که این زن جوان يك راز بزرگ از شوهر کشتی‌گیر خود را فاش کرد. این زن به مراجع قضایی گفت: چند روز پیش در کیف شوهرم يك فيلم ويدیویی پیدا کردم. کنجکاو شدم و فيلم را تماشا کردم. این فيلم بسیار وحشتناک بود و مرا تکان داد. در این فيلم صحنه‌هایی از شوهرم را با يك پیرمرد همجنس‌باز دیدم. با دیدن این صحنه حالم بد شد و یکراست به دادگاه آمدم تا از شوهر کشتی‌گیر و آن پیرمرد فاسد شکایت کنم. این زن فيلم را در اختیار قضات قرار داد و قضات بعد از دیدن فيلم متوجه شدند که ادعاهای این زن صحت دارد و این جوان کشتی‌گیر بازداشت شد. جوان کشتی‌گیر پس از دستگیری مادرای هولناکی را فاش کرد و گفت: چند ماه پیش با يك پیرمرد همجنس‌باز آشنا شدم. این پیرمرد خیلی پولدار بود. يك روز مرا به خانهاش دعوت کرد و وعده داد برایم خانه و ماشین آخرین مدل می‌خرید. من هم چون وضع مالي خوبی نداشتم قبول کردم و بعد هم او از نظر مالي به من می‌رسید. با پول همین پیرمرد بود که يك سالن ورزشی خریدم و به خانه و اتومبیل رسیدم. يك روز تصمیم گرفتم از دیدارهایمان فیلمبرداری کنم تا اگر پیرمرد چا زد و کتک مالی‌اش را قطع کرد با در دست داشتن این فيلم از او اخذی کنم اما این فيلم به دست همسرش رسید و...

پس از اعترافات این جوان، قضات دادگاه کیفری دستور بازداشت پیرمرد را هم صادر کردند. پیرمرد هم در بازجویی‌ها به عمل کثیف و انحرافی خود اعتراف کرد. قضات دادگاه پس از محاکمه دو متهم به شور نشستند و در پایان جلسه هم جوان کشتی‌گیر و هم پیرمرد متجاوز را به اعدام محکوم کردند.

در زیر توجه شما را به تعدادی از مسائل شرعی کتاب‌های توضیح المسائل که حد و مجازات را تعیین کرده‌اند جلب می‌نمایم. با کمی دقت می‌توان فهمید که با توجه به چه مواردی سرنوشت یک پرونده تعیین می‌گردد.

مساله ۲۷۹۵ - اگر مرد آزادی زنا کند، باید او را صد تازیانه بزنند و چنانچه سه مرتبه زنا کند و در هر دفعه صد تازیانه اش بزنند، در دفعه چهارم باید او را بکشند ولی کسی که زن عقدی دائمی یا کنیز مملوک دارد، و در حالی که بالغ و عاقل و آزاد بوده با او نزدیکی کرده و هر وقت هم بخواهد می‌تواند با او نزدیکی کند اگر با زنی که بالغه و عاقله است زنا کند، باید او را سنگسار نمایند.

مساله ۲۷۹۷ - اگر مرد مکلف عاقلی با مکلف عاقل دیگر لواط کند، باید هر دوی آنان را بکشند. و حاکم شرع می تواند لواط کننده را باشمشیر بکشد، یا زنده به آتش بسوزاند، یا دست و پای او را ببندد و از جای بلندی به زیر اندازد، و با شرائطی که در مساله (۲۷۹۵) گفته شد می تواند سنگسارش کند. ولی اگر لواط کننده غیر محصن باشد کشتن او اشکال دارد و بعید نیست حدش جلد باشد.

مساله ۲۸۰۰ - هرگاه کسی پسری را از روی شهوت بیوسد، حاکم شرع از سی تازیانه تا نود و نه تازیانه هر قدر صلاح می داند، به او می زند و روایت شده است که خداوند عالم دهانه ای از آتش به دهان او می زند و ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب بر او لعنت می کنند و جهنم برای او مهیا خواهد بود ولی اگر توبه کند توبه او قبول می شود.

مساله ۲۸۰۱ - اگر کسی مرد و زن را برای زنا یا مرد و پسر را برای لواط بهم برساند، چنانچه آن کس زن باشد، باید هفتاد و پنج تازیانه به او بزنند و اگر مرد باشد بعد از هفتاد و پنج تازیانه مشهور آن است که باید سر او را بتراشند و در کوچه و بازار بگردانند و از محلی که در آن محل این کار را کرده بیرونش کنند.

مساله ۲۸۰۲ - اگر کسی بخواهد با زنی زنا کند یا با پسری لواط نماید و بدون آنکه او را بکشند جلوگیری از او ممکن نباشد، کشتن او جایز است.

مساله ۲۸۰۳ - اگر کسی به مرد یا زن مسلمانی که بالغ و عاقل و آزاد است نسبت زنا یا لواط بدهد یا ولدالزنا بگوید و نتواند به طریق شرعی صحت نسبت را اثبات کند باید هشتاد تازیانه از روی لباس به او بزنند.

رادیو همجنسگرایان ایرانی

رها



رادیو رها، صدای همجنسگرایان، صدای مدافعین حقوق

اقلیت های جنسیتی، صدای طرفداران زندگی آزاد بدون اضطراب و ترس و شکنجه است.

رها بلندگوی همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنس گونه های

ایرانی است که از بی حقوقی خسته شده و قدم در راه دفاع از خود نهاده اند.

رادیو خودتان را پشتیبانی کنید و چنانچه مایلید در برنامه ها حضور یابید و با دوستان خود سخن بگویید.

برای حضور در برنامه های رادیویی می توانیم از نرم افزارهای پل تالک، اسکایپ و ... استفاده کنیم و به صورت اینترنتی ضبط کنیم. همچنین جهت مسایل هویتی امکان تغییر صدا وجود دارد. رادیو رها را از خود بدانید و به دوستانتان معرفی کنید. برای آن خبر و مطلب تهیه کنید و صدایش را رساتر نمایید.

www.radio.pglo.org
radio@pglo.org

دریچه

میم. ت.



به نام او
باور کن ای عشق برای از تو گفتن همیشه عاجز بوده ام، و اینک بهار،
این وسعت سبزیوش با من عاشق چه خواهد کرد که حیرانم در سرودن
تو ای معجزه ی زندگی، ای عشق.
بهار بر عاشقان مبارك باد.

بهار

اینک بهار می رسد و حجم یاد تو
در لحظه های سرد زمان جا نمی شود
می دانم اینکه باز حضور تکیده ام
در سبزی (سبزیه) نگاه تو معنا نمی شود

می خواهم از غروب طلوعی دوباره را
در بهت سایه های زمانی که درگذشت
خورشید لحظه های من از جنس دیگری ست
این بود نانوشته ترین حرف سرگذشت

برخیز ای همیشه به اعماق من صدا
من در حروف اسم تو تصویر می شوم
خاموش بر دریچه ی تنهایی زمان
افسوس با خیال تو من پیر می شوم

بگذار تا بهار هماغوش من شود
در این برهنه بستر از عشق قصه گو
من فصل آخرین (آخرینه) حکایت نبوده ام
بسیار خوانده اند از این قصه گفتگو

درود و بدرود.

هر وقت که خوشحالی
آرام بخند مبادا که غم
بیدار شود
و
هرگاه که ناراحتی آرام
گریه کن مبادا که شادی
نا امید شود.

طرح پیشنهادی کمیسیون مشترک اقلیت های جنسیتی ایرانی

ترانه فروهر - دبیر دوم سازمان همجنسگرایان ایرانی

فرا رسیدن سال نو را شادباش گفته و از خداوندگار بهترین ها را آرزومندم. سازمان همجنسگرایان ایرانی - PGLO در بهمن ماه سال جاری پیشنهاد طرحی را که برگرفته شده از نظرات برخی از همکاران بود را مبنی بر ایجاد یک کمیسیون مشترک فعالان همجنسگرایی منتشر نمود و از تعداد تقریبی ۵۰ نفر نظر خواهی کرد که با استقبال خوبی مواجه شد و همچنین برخی نظرات منفی و مخالف نیز بود که چندی پس از مهلت زمان تعیین شده نیز منتشر شد و به استحضار رسید.

جنبش همجنسگرایان ایرانی بیش از دو سال است که با جلوه دیگری وارد عرصه های اجتماعی شده است و در یک سال گذشته موفقیت های زیادی را کسب کرده است. حضور خود را به عنوان یک قشر جامعه اعلام کرده و حقوق خود را خواستار شده است. سعی شده که دیگر اقشار جامعه ما را باور کرده و بپذیرند. مجلات، رادیو، وب لاگ ها و ... همه به سهم خود در این مهم کوشا بودند و آرزو می کنیم که پلکان ترقی را با سرعتی غیر قابل تصور بپیمایند.

طرحی که در دست بررسی و اقدام است کمیسیون و یا کمیته ای را پیشنهاد می کند که محل تبادل نظر و صحبت در مواردی است که به جامعه همجنسگرا، دوجنسگرا و دوجنسگونه بر می گردد و بهترین اقدامات و عکس العمل ها را از طرف جامعه اقلیت های جنسیتی را بررسی و تعیین می کند. به صورتیکه رسانه ها، سازمان ها، گروه ها و ... می توانند نمایندگانی به این کمیسیون معرفی کنند و در این تصمیم گیری ها سهیم باشند (همچنین افراد مستقل نیز می توانند به عضویت این کمیسیون درآیند).

مسول هماهنگ کننده این کمیسیون موظف به دریافت نامه ها و ارسال آن به تمامی اعضای کمیسیون و تعیین زمان مناسب برای جلسات می باشد. به طور متوسط این کمیسیون یک بار در ماه اعضای خود را دعوت می کند که در جلسه ای شرکت کنند و راجع به مواردی که در دستور کار کمیسیون قرار دارد تصمیم گیری می کند. حضور در این کمیسیون زمینه ساز اتحاد و همفکری هر چه بیشتر جامعه اقلیت های جنسیتی ایرانی بوده و می توانیم با حضوری قوی تر در جامعه قدم گزارده و از حقوق خودمان در تمام مراحل دفاع نماییم.

جهت عضویت در این کمیسیون خواهشمند است مراتب را به ما اطلاع دهید تا اقدامات لازم به عمل آید. چنانچه هرگونه سوالی در این مورد دارید خوشحال می شویم که آن ها را دریافت نماییم. سعی خواهد شد که اولین جلسه این کمیسیون در ارتباط با نام کمیسیون، نقش و فعالیت های آن را در نیمه دوم فروردین ماه سال ۸۵ تشکیل دهیم که دستور کار آن ارسال خواهد شد.

در انتظار نامه های شما هستیم.

نام پیشنهادی خودتان را برای این کمیسیون ارسال نمایید

از رنجی که می بریم : یک ضایعه مغزی

اشکان حسیان



آمد. با ظاهری نه عجیب و نه زیاد غریب، که مشابه بسیاری افراد شبیه خود. هنگام صحبت نیز لحن او همانطور که انتظار می رفت می نمود، لحنی حاکی از اعتماد، اعتزاز و درشتی، درست مطابق تیپ و ظاهرش. از کلماتی استفاده می کرد که بیانگر اوج برتری طلبی او نسبت به سایرین، کمال نمایی وجودی و غایت اظهار تسلط او بر مافوق هستی داشت. همواره با اشیاء بی همتایی که با خود آورده بود چنان رخ نمایی می کرد که مرغان آسمان را متحیر به نظاره وا می داشت. در هنگام گوش جان سپردن به الفاظ شما چنان اظهار بی توجهی و بی خیالی می نمود که گویی داری با خودت با صدای بلند نجوا می کنی، گویی مانند پریشان روانها آوای مستی می سرایی.

به هنگام درد دل چنان باطن بی بدیل خویش را تشریح می نمایند که از همه جا بریده و از همه جا منزجر، آرمان رهایی از قیود تن فرسا، پرواز به آسمان خیال، رفتن در جاده بی

انتهای آزادی و رسیدن به قله های متبرک تفاوت را شاعرانه می سرایند. آری آنان تنهایی را می پرستند. در جمعی که همگی مشغول خوردن غذا با قاشق چنگالند، آنان ساز کارد و چنگال یا چوب ژاپنی می نوازند. جایی که همه شادند، آنان بی دلیل غمگین، وقتی همه مشغول تفریح و بازی و آنان خود را بی دلیل مشغول کار نشان می دهند. در مکانها یا وسایل نقلیه عمومی تنها آهنگ بابا کرم موبایل آنان گوش نوازی می کند. آه که در هنگام صحبت تلفنی با ایشان چه ماهرانه خود را سرگرم جلوه می دهند. آه که در اتمام نامه خود چه عارفانه بیان می دارند: regards.



آه که در اتمام نامه خود چه عارفانه بیان می دارند: regards. take care. Babye. می گویند: آنانند که خود را از همسالان، بزرگتر، بالاتر و داناتر حس می کنند، به مردم وقعی نمی نهند و بی هیچ بهانه از جمع آنان می گریزند.

توجه داشته باشید هیچگاه آنان را نمی بینید که از يك جمع با اعمال ناشایست بگریزند، هنگام مسخره کردن فردی همراه جمعند، به وقت فرار از زیر بار مسئولیت همین طور، گاه حق کشی، زورگویی و گاو بندی نیز، به هنگام بدگویی



جمعی از بی چاره ای آنان نیز جمع را همراهی می کنند. این سوال را در اذهان زمزمه می شود که لفظ "دوست دارم با بقیه فرق داشته باشم" آنان به چه معناست؟ اگر حقیقت را بخواهید هیچ. اصلاً لفظ تفاوت داشتن انسانها بی معنیست، زیرا که به آن میزان که انسانها به هم تشابه دارند به همان میزان نیز با هم متفاوتند بنحوی که هیچ دو انسان مشابه را نمی توان متصور بود. لذا اوهامی از این دست پایه و بنیانی نداشته زاده عقده های روانی می باشد. همین عقده هاست که در عید بی هیچ مناسبت عزا می گیرند، در عزا جشن تولد می روند، در

شبها عینک آفتابی می زنند، هنرمند محبوب عام را بی دلیل تحقیر می کنند، نظرات کارشناسی را با وقاحت تمام رد می کنند، استدلال را نمی پذیرند، درحالیکه از تمام وقایع جهانی و علمی بی اطلاعند متکبرانانه اوضاع و احوال را تفسیر می کنند، اصولاً آنچه می خواهند می بینند (روز را شب، زیبا را زشت، سیاه را سپید)، مغرورانه انتقادات را نمی پذیرند، با نخوت هر چه تمامتر از خود تعریف و تمجید می کنند حال آنکه موقعی غرق ندانم کاری دارند، مع ذلک کافیت است اندکی تعریف و تمجید از ایشان بشود آنگاه است که می بینی چطور دست پایشان گم می شود گویی انتظار دارند

پرستش شوند، با هر دوست و آشنایی بدگویی دیگری را می کنند، خود بی هیچ عیبی و دیگران غرق خطا جلوه می دهند و...

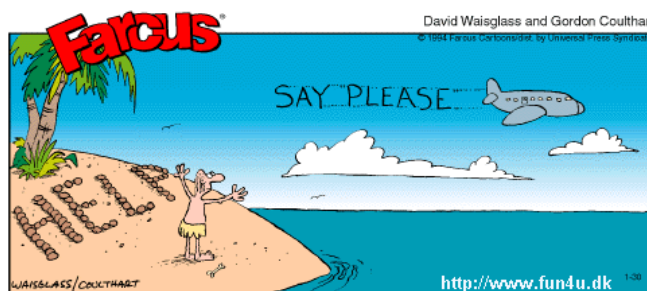
در همه امور مادی و معنوی صاحب نظرند. هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه تحت لیسانس آنان اعتبار می گیرد. در همه علوم نه تنها سر رشته دارند، که در حد دکتری به تدریس نیز مبادرت می ورزند. به همه زبانهای زنده و مرده دنیا را صحبت بلکه مقاله می نویسند. تمام سوالات بی جواب دنیا را تنها آنان جوابگویند، از انتگرال بیضی گرفته تا وتری



بزرگتر از قطر، از تولد مار از سنگ تا بشقاب پرنده. هیچ نظریه مخالفی برای آنان قابل طرح نیست. تمام قضایای علوم یکبار باید به تأیید آنان برسد. هر واقعه تاریخی باید با عدم تناقض با اظهارات ایشان سندیت پیدا کند. هر طور بخواهند وقایع تاریخی را مطابق میل می سازند، تفسیر می کنند، بی هیچ دلیلی، بی هیچ مدرکی، بدون داشتن علم آنکه چگونه از کتب تاریخی کسب فیض کنند، چگونه اعتبار یک واقعه تاریخی منقول در یک سند را بسنجند، چگونه به یک مطلب اعتماد و دیگری را رد کنند و اصلاً چگونه سندیت نویسنده را ارزیابند. هر اسم بزرگی هر مطلبی ولو خلاف صدها

مدرک عقلی گفت برایشان معتبر است. هیچ عقلی کاملتر از عقل ایشان و هیچ مدرکی مستدلتر از بیانات حکیمانه ایشان وجود ندارد. عالم کوک خود را از ایشان می گیرد. وای اگر خورشید عالمتاب فضایل ایشان روزی بلکه ساعتی افول کند.

در برابر هیچ قدرتی خزوع ندارند، استاد را بی دانش، معلم را بی سواد، شاگرد اول را متقلب، همکلاسی ها را نوکر خود، فروشنده را دزد، راننده را لاشخور، پدر و مادر را برده، عالم را کلاش، مردم را کم عقل و خود را عصاره هستی می دانند. جایزالخطا بودن انسان در مورد آنان صادق نیست. همواره خود را طلبکار می دانند، قول می دهند بسادگی زیر قول و قرار



می زنند. معذرت خواهی برای آنان بی معناست. در امتحان رد می شوند، استاد مقصر است، در زندگی شکست می خورند، شریک زندگی کوتاهی کرده، مریض می شوند، خدا را مورد سب قرار می دهند. همواره ناراضیند. برای مردم هیچ حقی قائل نبوده اجتماع ملزم به رعایت حقوق آنان است. قوانین متعلق به بقیه است. همه چیز را برای خود



می خواهند. خلق شده اند تا به آنان خوش بگذرد و اگر لحظه ای چنان نشود آه و ناله آنان گوش فلک را کر می کند. با صدای بلند آهنگ گوش می دهند، اما تحمل نصف همین را از دیگری ندارند. هیچ یک از نظرات دیگران را قبول ندارند. هر نظری را با یک ترفندی مردود می دارند بی آنکه دلیل قانع کننده ای بیاورند. کل علم فلسفه، کل فن استدلال و کل شواهد و مستندات، وقتی منافی مصالح و میل آنان باشد کاربردی ندارند. اصولاً آنان آمده اند تا نظر بدهند نه آنکه نظر بپذیرند. کافیسست احمقی بی سند و مدرک، بی استدلال مطلبی عنوان کرده باشد که مطابق میل حضرات باشد،

همان ملاک جاوید می شود، حال آنکه استدلالاتی بی نقص اهل فن همه مردود است. اصولاً در مطالب اثبات نشده علمی، بخصوص در طب و علوم اجتماعی و بعضاً تاریخی، توسط اهل فن نظریات گوناگونی مطرح شده که همگی

منطبق بر واقعیات و به نوعی توجیه ابهاماتی که مشاهده می شوند بوده در عین تضاد همگی مستدلند. اما هیچکدام از این نظرات ارضا کننده طبع این حضرات نمی باشند. آنان ساز خود را تکنوازی کرده به حقایق پشت کرده اند. ندانی، و ندانی که ندانی، و نخواهی که بدانی، که ندانی.

به تاریخ بنگرید. به بیوگرافی بزرگترین دیکتاتور های تاریخ. به فصل مشترک سرگذشت آنان. جایی که شما بی هیچ واسطه، بدون کمترین زحمتی و با اندکی تفکر ملاحظه می کنید که غالب آنان از کمبود یک دست نوازشگر، یک راهنمای زندگی، یک مشوق و یک حامی، کسی که بتوان به او تکیه نمود، بی نصیب بوده همواره مورد آزار و اذیت بوده اند. آنان از وجود کسی که به آنان توجه کند، به آنان محبت کرده برای آنان دلسوز بوده به ایشان احترام بگذارد بی بهره بوده اند. چنین



بوده است که از پی رسیدن به قدرت در پی خریدن احترام، به تحقیر و ارباب مردم، آدمکشی، زورگویی و کشورگشایی می پرداختند. از طرفی اغلب نخبه ها کسانی هستند که در پی آموختن هنر، فنون و علوم، اوقات بسیاری را به تنهایی و تمرین سپری کرده لذا از بسیاری آموزه های اجتماعی دور مانده اند و اکنون اکثراً به عنوان فردی متخصص و تهی از اخلاق، با هوش و عاری از درک اجتماعی، مشهور و منفور بدل گردیده اند. از این روست که در جوامع مدرن بشری به



تکامل همه جانبه جسمی و روانی فرد پرداخته می شود. آنجاست که به کودکان خردسال در مدرسه به جای فقط خط و مشق، بازی و تفریح صحیح، ادب و تربیت اجتماعی و ورزش نیز آموزش داده می شود. از این روست که خروجی چنین سازه های تربیتی، افرادی با قدرت تحمل بالای مشکلات و سختیها (برای نمونه توجه کنید به نحوه رانندگی و تحمل ترافیک)، مودب و مسوولیت پذیر است (البته با معیار فرهنگ خود آن جامعه). در این جوامع است که ایده های افراد به دیده احترام نگریسته می شود، افراد با هر نحوه تفکری به باد مسخره گرفته نمی شوند و بجای کوبیدن فرد به او تعلیم چگونه بهتر داده شدن و اصلاح خود داده می شود. هیچ مدل مو، لباسی عجیب نبوده ارزش افراد به اندرون آنها و قابلیت های افراد، نه به دارایی های و ظاهر آنان است. در این جوامع است که نه دیکتاتورها بلکه مخترعین و مکتشفین رشد می کنند.

آری اینگونه است که مردم از همصحبتی با فردی لذت می برند و از دیگری می گریزند. ریشه این ضایعات مغزی را در چند چیز است: کمبود محبت، آزار دیدن، تنهایی دوری از جمع و موارد مشابه. بخاطر بیاوریم که تمام استعداد های بشر به قصدی در وجود وی به امانت نهاده شده اند. حس خود بزرگ بینی در حد اعتدال ضامن اعتماد به نفس، محترم بودن و در نهایت آرامش روانیست که کمبود آن نیز منجر به مشکلات عدیده از جمله در حد وخامت، ظهور مکاتب منحط صوفی گری، مسیحیت تحریف شده و بعضی آیینهای بودایی انحرافی که مبلغ محبت بی ریشه هستند می گردد.



آیا می دانستید که...

آیا می دانستید آنهایی که از نظر احساسی بسیار قوی به نظر می رسند در واقع بسیار ضعیف و شکننده هستند
آیا می دانستید که آنهایی که زندگیشان را وقف مراقبت از دیگران می کنند خود به کسی برای مراقبت نیاز دارند
آیا می دانستید که سه جمله ای که بیان آنها از همه جملات سخت تر است "دوستت دارم، متاسفم و به من کمک کن" می باشد
آیا می دانستید که کسانی که قرمز می پوشند از اعتماد بیشتری نسبت به خود برخوردارند
آیا می دانستید که کسانی که زرد می پوشند از زیبایی خود لذت می برند
و آیا می دانستید که کسانی که لباس مشکی به تن می کنند نمی خواهند مورد توجه قرار گیرند ولی به کمک و درک شما نیاز دارند
آیا می دانستید که زمانی که به کسی کمک می کنید اثر آن دوبار به سوی شما بر می گردد
و آیا می دانستید که نوشتن احساسات بسیار آسانتر از رودرو بیان کردن آنهاست اما ارزش رودرو گفتن بسی بیشتر است
آیا می دانستید که اگر چیزی را با ایمان از خداوند بخواهید به شما عطا خواهد شد
آیا می دانستید که شما می توانید به رویاهایتان جامه عمل بپوشانید رویاهایی مانند عشق ثروت سلامت اگر آنها را با اعتقاد بخواهید و اگر واقعا این موضوع را می دانستید از آنچه قادر به انجامش بودید متعجب می شدید
اما به آنچه من به شما می گویم ایمان نیاورید تا زمانیکه خودتان آنها را امتحان کنید اگر شما بدانید که کسی نیاز به چیزی دارد که من گفتم و بدانید که می توانید به او کمک کنید متوجه خواهید شد که آن چیز دوبار به سوی شما باز خواهد گشت
امروز توپ دوستی در زمین شماس است آن را برای کسانی که به واقع دوستان شما هستند بفرستید (مانند من اگر یکی از آنها می باشم) همچنین ناراحت نشوید اگر کسی آن را برای شما بازپس نفرستاد شما خواهید فهمید که باید این توپ را برای کسانی که به آن نیاز بیشتری دارند نگهداری کنید
درسته این کاریه که شما باید انجام بدید



... بگذار
زیبایی در چشمی
نه در آنچه که می بینی
ن تو باشد

تکلیف از منظر عدالت و اخلاق

ام. تا. سیس

اساسی ترین شعار دولت نهم جمهوری اسلامی ایران عدالت محوری است. عدالت در همه ارکان و همه حوزه های مرتبط با انسان چه در عرف و چه در شرع مطرح است و یکی از مهمترین شعارهای احزاب و گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی است. در ایران بعضی از حوزه های حقوقی سیاسی اجتماعی و فرهنگی و حتی اقتصادی دارای خطوط قرمز می باشند و غیر قابل نفوذ تعریف می گردند، یکی از آنها مربوط به رفتار حکومت اسلامی نسبت به همجنس گرایان می باشد.

همانطور که می دانید در شرع محور عمده عدالت برای دشمن و دوست یکسان تعریف می شود. جایی که خداوند عدالت را برای آسمانها و زمین و گردش ستارگان نیز قرار می دهد و حرکات کرات مختلف و مدارات فی مابین آنها را بر اساس عدالت تعریف می نماید چگونه است که عدالت ورزی برای همجنس گرایان تعریف نمی شود. آیا در جمهوری اسلامی که امروزه با پذیرش همجنس گرایی که از طریق معافیت سربازی به رسمیت شناخته شده است، مهر تایید بر وجود چنین ارتباطی میان افراد گی زنده است. آیا هم جنس گرایان به عنوان شهروندان این مرز و بوم قرار ندارند آیا نیازهای آنان که ناشی از فرهنگ، اجتماع، تاریخ، اقتصاد متناسب با شان و به مانند سایرین می باشد، از اهمیت برخوردار نیست. چگونه است که نظام جمهوری اسلامی ایران پدیده هم جنس گرایی را تایید می نماید لیکن حقوق آنها که بیشتر از سایر شهروندان نمی باشد، مورد تایید قرار نمی گیرد. درست است که در عرف و دین جامعه اسلامی در شرایط امروزی و در ذهن ناخودآگاه جامعه ایران محدودیت های خاص وجود دارد اما آیا دولت جمهوری اسلامی بایستی حمایت های خاص در جایگاه قانون اساسی در حیطه عرف و دین برای جامعه گی مطرح نماید. به نظر می رسد در جامعه اسلامی می بایستی ذهن شهروندان را به نحوی با این پدیده پذیرفته شده آشنا نمود و برنامه های خاص تدوین کرد تا به مانند سایر تابو هایی که در جامعه ایرانی (مثل ایدز) وجود دارد مشکل آفرین نگردد. این موارد حتی در مدارس، خانواده ها، رسانه ها مطرح شود تا فرهنگ متناسب با آن ایجاد گردد. با توجه به شیوه هایی که در فقه پویای دینی وجود دارد امکان برخورد مناسب میسر است و حتی می توان در یک جامعه اسلامی به نحوی این مسئله را مطرح و اجرایی کرد و در اذهان مردم به سبک ایرانی - اسلامی عمل نمود و در صدر کشور های پیشرو قرار گرفت.

همانطور که می دانیم حقوق و تکالیف بشری یکی از موارد مهم و قابل بحث میان متفکرین و اندیشمندان می باشد. این مورد برای اقلیت های جنسی که محق به حقوقی خاص می باشند از دقت نظر و اهمیت بیشتری برخوردار است. نکته با اهمیت در میان این گروه از اقلیت (اقلیت جنسی) این است که هیچگاه در جامعه انسانی دیده نشده است که این گروه تبدیل به اکثریت گردد، به خاطر همین ویژگی اقلیت جنسی، می بایست در قانون به نحو مساعد تری مورد حمایت قرار گیرد تا شائبه هر گونه تضعیف حقوقی وی از میان برود. در این میان وظایف و تکالیف اقلیت های جنسی نیز در جامعه نسبت به جامعه اکثریت بیشتر و با حساسیت های بیشتری دنبال خواهد شد. این نکته را همواره توجه داشته باشیم که در هر شرایطی حقوق بیشتر نسبت به دیگران، تکالیف بیشتری را نیز می طلبد که می بایستی مورد اجرا قرار گیرد.

افراد گی ایرانی تا حدودی از حقوق حقه خویش مطلع هستند لیکن به وضوح می توان مشاهده کرد که در مورد تکلیف خود نسبت به دیگران به ویژه جامعه اکثریت و سایر هم جنس گرایان کم اطلاع اند. با توجه به این مسئله در ابتدا مفهوم تکلیف از نظر کانت به طور گزیده مطرح و سپس مسئله تکلیف با مصادیقی در مورد جامعه گی ایرانی تطبیق داده خواهد شد.

تکلیف عملی است که شخص به انجام آن ملزم باشد، اما تکلیف (duty) غیر از الزام (obligation) است. الزام از نظر کانت عبارت است از وابستگی اراده ای که "مطلقاً خیر" نیست، بر اصل استقلال یا خود بسندگی، درحالیکه تکلیف عبارت است از ضرورت برون ذهنی (عینی) یک عمل. پس الزام دال بر شرط وابستگی (عدم استقلال) یک فعل است درحالی که تکلیف بر ضرورت ذاتی عمل است. به عبارت دیگر الزام توأم با اجبار و اضطراب است درحالی که تکلیف برآمده

از ضرورت ناب عقلی است، انسان ملزم مجبور است اما انسان مکلف مجبور نیست زیرا ضرورت فعل مکلف از لوازم ذاتی خود انسان (فاعل عمل) یعنی از مقتضیات عقل عملی است.

اگر آزادی از لوازم ذاتی انسان است حفظ آزادی فردی تکلیف فردی هر انسانی است و این تکلیف از ذات او برآمده است و از خارج بر او تحمیل نشده است تا امری اجباری باشد. انسان در عین آزادی مکلف است (به تکالیفی که قوانین عقل عملی تعیین کننده است). تکلیف عملی است که شخص به انجام آن ملزم باشد این اعمال را قانون عقل عملی تعیین می کند "قانون قضیه ای است که حاوی یک دستور مطلق باشد".
دو نوع قانون داریم:

- قانون عملی، از انگیزه سعادت برخاسته است practical است، راه وصول به سعادت است و متکی بر اصول تجربی است زیرا به ارضای تمایلات مربوط است.

- قانون اخلاقی، از انگیزه برای ارزش سعادت مند بودن برخاسته است، راه محافظت از سعادت است و متکی به اختیار در موجود عاقل مربوط است.

قانون اخلاقی مبدا تعیین تکالیف است و از ویژگیهای آن این است که دارای کلیت و ضرورت است فرق میان قانون و قاعده مند از همین دو ویژگی (کلیت و ضرورت) ناشی می شود. قانون بنا بر تقسیم عقل عملی و نظری به دو قسم تقسیم می شود. قانون نظری متعلق به آنچه هست و طبق علت طبیعت می باشد و قانون عملی متعلق است به آنچه باید باشد طبق علت اختیار یا عقل عملی. مبدا تکلیف را گاهی قانون عملی گاهی قانون اختیار و گاهی قانون اخلاقی می نامیم. قانون اخلاقی منطبق بر خیر است، خیر نزد افلاطون یک امر وجودی برخاسته از ذات باری تعالی است و شر یک امر عدمی است.

از نظر کانت خیر در انسان به سه بخش تقسیم می شود

- استعداد حیاتی در وجود انسان به عنوان یک موجود زنده، نوع اول تحت عنوان خود خواهی جسمانی فاقد اقتضای عقلانیت است.

- استعداد انسانی در انسان به عنوان موجود ناطق، مستلزم عقلانیت انسان است نمونه آن به ارزشمند بودن در نظر دیگران.

- استعداد شخصیت در انسان به عنوان موجود مسئولیت پذیر، استعداد احترام به قانون اخلاقی به عنوان انگیزه درونی اراده.

پس قانون اخلاقی برخاسته از اصل خیر (نوع سوم) در وجود اوست. با توجه به مطالب مطرح شده در بالا کانت تکلیف انسان را به دو بخش تقسیم می کند.

۱. تکلیف انسان به خود

۲. تکلیف انسان به دیگران

در حیطه تکلیف انسان نسبت به خود شش تکلیف اساسی وجود دارد

- کوشش برای انتقال از وضع طبیعی (توحش) به وضع مدنی
- کوشش برای دفع شر از وجود خویش و پیوستن به خیر
- کوشش برای به دوش گرفتن تمام مسئولیت های مربوط به زندگی و مقدرات خود
- کوشش برای ساختن شخصیت قابل قبول از لحاظ اخلاقی برای خویش
- کوشش برای پرورش قوا و استعداد های فطری و طبیعی خویش
- کوشش برای شناخت ذات خویش که به هشت مورد آن را تعیین و حدود شده است (پرهیز از خودکشی، پرهیز از آلودگی به شهوات، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از دروغ، پرهیز از بخل، پرهیز از چاپلوسی، خود شناسی، پرورش قوا).

نوع دیگر از تکلیف عبارت است از مراعات حقوق دیگران، این تکلیف به صورت اجرای عدالت بروز می کند و اساس "مجازات" را تشکیل می دهد. در هر مجازاتی اجرای عدالت باید در درجه اول مورد توجه باشد و اجرای عدالت ذات مفهوم مجازات را تشکیل می دهد. در مورد ارتباط عدالت با تکلیف کانت می گوید عالی ترین تکلیف ما نسبت به دیگران عبارت است از حرمت نهادن به حقوق دیگران، این تکلیف ماست که حقوق دیگران را مراعات کنیم و به عنوان یک امر مقدس پاس داریم.

نکته حائز اهمیت در فلسفه کانت این است که در فلسفه کانت اخلاق متکی بر تکلیف است ولی در فلسفه ارسطو اخلاق متکی به سعادت است. این ویژگی باعث می شود که اخلاق کانتی مبتنی بر اخلاق مطلق باشد در صورتیکه اخلاق ارسطو مبتنی بر اخلاق نسبی باشد. در فلسفه کانت تکلیف عمل مطابق با قانون اخلاقی است و قانون اخلاقی از عقل عملی نشأت می گیرد و وابستگی تجربی ندارد در صورتی که سعادت از این جنس نیست.

با توجه به مطالب فوق، به نظر می رسد گی ایرانی نسبت به تکلیف انسانی اش نسبت به خود غافل است. گی ایرانی هر چقدر درون خود را به مسائل مربوط به مدنیت و فرهنگی آراسته نماید، مسئولیت های مربوط به زندگی را متقبل شود، در شخصیت خود از اصول اخلاقی تبعیت نماید، قوای ذهنی و جسمی خود را پرورش دهد و نسبت به ذات خود و هر آن چیزی که ذات انسانی اش را مورد تهدید (و تحدید) قرار می دهد بپرهیزد، امکان برآورده شدن تکلیف اش بیشتر و بهتر خواهد گردید. نظام اجتماعی ایران بسیاری از تکالیف انسانی نسبت به خود را سلب می نماید، منتهی می بایست به این نکته توجه داشت که تمامی این موارد تحت عنوان کوشش در نظر گرفته شده است به عبارت دیگر همه موارد طرح شده از یک امور نسبی و نه مطلق تبعیت می نماید. بنابراین گی ایرانی در هر موضعی که قرار گرفته باشد هنوز جایی برای پیشرفت و توسعه فردی خویش وجود خواهد داشت.

ببینید گی ایرانی در جامعه ای زندگی می کند که از نظر عرفی و نیز از نظر قوانین محدود به قواعد خاصی است. قسمتی از اصول اخلاقی جامعه محدود به قوانینی است که بر اذهان مردم حاکم است و قسمتی نیز از مردان حکومت (نظام سیاسی) ناشی می شود. نظام سیاسی ما نسبت به یک روش حکومت حداکثری فاصله زیادی را داراست لیکن قسمتی از این نظام سیاسی از نهاد های دموکراتیک شان و منشا می یابد. با توجه به تمام این موارد، گی ایرانی مکلف به اجرای حقوق جامعه اکثریت جنسی است و می بایست هرآن چیزی که به حقوق جامعه اکثریت جنسی خدشه وارد می سازد، دوری نماید. در جامعه اکثریت جنسی نهاد خانواده، پنهان سازی سکسی (و نه آشکار سازی آن)، نوع پوشش، ارتباطات میان دو جنس مخالف (از نظر رفتاری و کلامی)، فقه و شریعت دینی مورد پذیرش اکثریت، مفهوم عدالت و آزادی جنسی و... از اهمیت فراوانی برخوردار است و صرف نظر از درست و اشتباه بودن آنها تا زمانی که تغییری در نگرش جامعه اکثریت (از نظر فکری و قانونی) اتفاق نیفتاده باشد، گی ایرانی ملزم به رعایت حقوق افراد جامعه است. البته می بایست به این نکته نیز توجه کافی داشت که اصلاح و تغییر نگرش جامعه اکثریت روش ها و متد خاص خود را می طلبد (که در گفتار های بعدی به آن خواهم پرداخت). یکی از این موارد استفاده از اصحاب رسانه می باشد که می تواند جهت گیری های مثبت و فعالی را ایجاد نماید (و در اینجا اهمیت داشتن مجلاتی که در اختیار افراد گی قرار می گیرد، روشن می سازد).

و اما در آخر چند توصیه به همه سروران معروض می دارم:

حضرت علی در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه در بیان کارکردهای اجتماعی عدل و ظلم و پیامدهای اجتماعی ظلم، به رخ نمودن اختلاف کلمه، آشکار شدن نشانه های جور، افزایش دغل کاری و فریب کاری در دین، متروک ماندن سنت ها محوری رسول خدا، مبنای عمل قرار گرفتن هوی و هوس، به تعطیل کشیده شدن قانون، فزونی گرفتن بیماریهای نفسانی، زوده شدن حساسیت ها نسبت به تعطیل حق و عمل به باطل و بالاخره به ذلت افتادن نیکان و عزت یافتن اشرار اشاره دارد.

حضرت علی در خطبه ۵۰ می فرماید حق شما بر من این است که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ، وی پنهان کاری حاکمان را منشا بحران ارزشها می شمارد به گونه ای که کار بزرگ را در نزد حاکم، خرد و کار خرد را بزرگ می نماید. زیبا، زشت شود و زشت، زیبا و باطل به لباس حق درآید. این تاکیدات نیز به روشنی پیوستگی و وابستگی

متقابل میان عدالت و آزادی را نشان می دهد. به نظر می رسد هنرمندان، دانشگران، پژوهشگران، دانشمندان و همه علاقه مندان علم و پیشرفت بشری می بایستی با اینگونه مسائل به نحو مثبت تری برخورد نمایند و از هموفویای مربوطه بیرون آمده و درک و شعور اسلامی - ایرانی خود را به منصفه ظهور برسانند. هر کسی به سهم خود حتی طراحی سنوالاتی ریشه ای و مثبت، می تواند به این موضوع یاری رساند.

این توصیه و تذکر برای همه اندیشمندان به ویژه جامعه اقلیت جنسی است که عمل به عدالت و واجد حقوق پیدا نمودن اقلیت جنسی و رعایت حقوق اکثریت جنسی را از سر تکلیف بر خود هموار سازند.

به اطلاع میرسانیم که اتاق "Iran Lesbian & Gay" در پل تاک، روزهای دوشنبه و پنجشنبه ساعت یازده شب به وقت تهران به مدت دو ساعت باز می باشد. این اتاق زیر کتگوری "آسیا/آفریقا/استرالیا" و زیر ساب کتگوری "پرشین" باز میشود. این اتاق رمزدار می باشد، و رمز ورود آن "۲۰۰۶۲۰۰۶" است. کسانی که میخواهند در این جلسات شرکت کنند میتوانند ای دی ریز را به لیست خود اضافه کنند و درخواست دعوت بکنند.

ID: o0ava0o

برنامه پل تاک را میتوانید از لینک زیر نصب کنید:

<http://www.paltalk.com>

ولی خودم چه؟

حمید از کردستان

سلام خوبان، من هم یکی از شما و از خانواده مظلوم همجنسگرایان هستم مادامی که مردم و رفتارشان را می بینم از انسان بودن خجالت می کشم. امروزه در میان ما حرمت، احترام، احساس، دوست داشتن و هر آنچه که زمانی الگوی صفات بارز آدمی بود آن چنان بین مردم بی ارزش و کم رنگ شده است که اگر از آدم ها معنی این ها را بپرسی حتی بلد نیستند آن را برایت تعریف کنند چه رسد به عمل. من و مایی که قرار بود یک روز جای خدا را بگیریم بین به کجا رسیده ایم.

تا قبل از اینکه دبیرستانم تمام شود و تا قبل از اینکه بحث سربازی پیش بیاد زیاد کاری به کارم نداشتند اما بعد از روشن شدن سربازیم و به محض ورود به دانشگاه زمزمه ها و نگاه ها شروع شد به خصوص که پدرم با این تفکر سنتی اش هر جا می نشست از پول و ثروت و خانه اش حرف می زند و این که همه مال من است و فقط من را دارد و از این حرفهای بی اساس، نگاه ها عوض شد، پچ پچ ها شروع شد، حتی برایم علنی خواستگار آمد؛ پیشنهاد های ازدواج این دختر و آن دختر.

از نظر مردم و حتی گاهی خانواده خود نیز هیچ کم و کسری ندارم و همه اسباب خوشبختی من مهیا است ولی خودم چه؟ در خانواده ای بزرگ شدم که شکر خدا از نظر مالی مشکل نداشتیم ولی با این وجود همیشه شرایط سخت مالی بودم ولی هیچ کسی نمی دید. از نظر پدرم من بی غم ترین و بی خیال ترین پسر دنیا هستم چون همیشه آرام و صبور و تودار بودم. به هر بهانه ای بحث من و زن آینده ام و غیره را پیش می کشند ولی خودم چه؟ در خیالشان برایم می برند و می دوزند و هر گز نپرسیدند تو کی هستی؟ چرا وقتی حرف از آینده ات می زنیم ساکت می مانی؟ جز خدایم کسی نمی داند در دلم چه خبر است. کسی نمی داند که از وقتی خودم را پیدا کرده ام چه حرف ها که در سینه ام تلنبار نشده است. می خواهم مثل بچه ها زار بزنم همه درد هایم را یک باره بیرون بریزم، می خواهم بگویم من کی هستم، بگویم من نمی توانم آنی باشم که شما می خواهید. شما مثلا بزرگان از زندگی چه چیزی دارید که می خواهید آن را به من و امثال من قالب کنید. من برای تولید مثل حیوانی خلق نشده ام، می خواهم خود خودم را نشان تان دهم اما می ترسم مایه سر خوردگی تان شوم چون شما نمی دانید عشق چیست. شما نمی دانید پنهان کردن عشق چقدر سخت است. چون شما هیچ وقت در تنهایی شب گریه نکرده اید، چون شما هیچ وقت به خاطر آن چه در نهادتان است بی حرمت نشده اید، چون شما هیچ وقت مجبور نبوده اید در لباس دیگری برای پنهان کردن رازتان نقش بازی کنید

معافیت سربازی برای ایرانیان همجنسگرا

نوشته : توماس اردبرینک روزنامه نگار هلندی

ترجمه: صبا راوی

کسی که از پشت بام جار نزند، می‌تواند براحتی به عنوان یک همجنسگرا در ایران زندگی کند

شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل می‌گوید: در ایران حکم عمل لواط بین دو همجنسگرا اعدام است اما کسی که اعلام کند که همجنسگرا است قانون را زیر پا نگذاشته است .

گروهی مرد جوان جلوی عکس‌های رنگی روی دیوارهای گالری اعتماد در تهران جمع شده همدیگر را هل می‌دهند تا عکس‌ها را بهتر ببینند . آنها محو تماشای عکس یک کارناوال همجنسگرایان در فرانسه شده‌اند . یک مرد همجنسگرا با یک ماسک پر و سینه‌های لختی که فقط نوکشان نمایان نیست، حشری به لنز زده است . امین اصلی- هنرمند - می‌گوید: کارهای من لب مرز مجاز است .

خانم ریثا فردونک وزیر انتگراسیون هلند بخاطر تصمیمش برای اخراج ده همجنسگرای ایرانی تحت فشار شدید قرار دارد. در آغاز ماه بعد باید موافقت پارلمان هلند را برای اینکار جلب کند. بر اساس ادعای پناهندگان، سازمان همجنسگرایان هلند و سازمان دیده‌بان حقوق بشر، این مردان در صورت بازگشت دادنشان به ایران، بخاطر گرایش جنسیشان در خطر اعدام قرار می‌گیرند. تصمیم فردونک زمینه‌ای قضایی خواهد بود که بر اساس آن به درخواست پناهندگی همجنسگرایان دیگری که در آینده به هلند خواهند گریخت، بررسی خواهد شد . ایران چقدر برای همجنسگرایان امن است؟ طبق گفته برنده جایزه صلح نوبل - شیرین عبادی - همجنسگرایان ایرانی بدون مشکل می‌توانند به ایران مراجعت کنند . "اگر من به قانون ایران نگاه کنم، امکانش هست . دست کم در صورتی که توسط یک دادگاه در ایران ثابت نشده باشد که عمل دخول انجام گرفته . اگر دخول اثبات نشده باشد، آنها براحتی امکان بازگشت دارند . حتی اگر در هلند اعلام کرده باشند که همجنسگرا هستند . آنها با اینکار هیچ قانونی را زیر پا نگذاشته‌اند."



در قانون ایران حکم لواط اعدام هست، حتی اگر بر اساس میل و رضایت طرفین باشد . وکیل حقوق بشر، شیرین عبادی می‌گوید "مسئله اثبات لواط است و برای اینکار حداقل چهار شاهد لازم است . اثبات لواط بسیار مشکل است " داشتن انحراف جنسی در ایران عمل ممنوعی نیست . شیرین عبادی هیچ موردی را سراغ ندارد که در آن دو مرد با رضایت طرفین لواط انجام داده باشند و به این دلیل به دار آویخته شده باشند . "من هیچ وقت وکیل همجنسگرایان نبوده‌ام . خبرهایی از سازمان‌های مدافع حقوق بشر راجع به اعدام آنها وجود دارد . اما معمولاً در این پرونده‌ها تجاوز شکایت اصلی است . من شک دارم که پس از انقلاب



اسلامی کسی فقط بخاطر لواط اعدام شده باشد . اما کسانی بخاطر تجاوز مقعدی اعدام شده‌اند"

گالری تهران، نشانی از نگرانی‌های موجود در هلند ندارد . اکبر، ۲۷ ساله، می‌گوید: "من هیچگاه مشکلی با ماموران نداشتم . بعضی وقتها پلیس به جشنهای مخفی می‌ریزد اما این برای دگر جنس‌گرایان (هتروسکشوال‌ها) هم اتفاق می‌افتد . تازه دردسر ما کمتر است، چون هیچ دختری در جشن‌های ما نیست >> . جشنهای رسمی در ایران ممنوع هستند اما همه جا برگزار می‌شوند . اکبر با لبخندی می‌گوید << : آنها با ما کاری نمی‌توانند داشته باشند، چون ما فقط با پسرها هستیم"

"تازه بخاطر همجنسگرا بودنم، از خدمت دوساله سربازی معاف شدم " . اکبر به پسر کناریش چشمک می‌زند و او

می‌گوید: "من هم همینطور!" براساس قوانین ایران، همجنسگرایان از خدمت سربازی معافند. آنها می‌توانند به یک پزشک مراجعه کنند تا بدون اینکه توسط ماموران دستگیر شوند، همجنسگراییشان ثابت شود. کسی که در ایران همجنسگراست و به همین خاطر معافیت سربازی گرفته، باید آنرا ثابت کند. دکتر فریدون محرابی در سی‌سال گذشته هزاران همجنسگرا را از خدمت سربازی معاف اعلام کرد. این دکتر مستقل و تحصیلمکرده انگلستان تخمین می‌زند که یک میلیون همجنسگرا در ایران زندگی می‌کنند. او در دفتر خود در بیمارستان مهرگان تهران می‌گوید: "بطور متوسط ۱.۵ درصد از کل جمعیت همجنسگراست. پس در کشور ما هم باید همینطور باشد".

رفتار همجنسگرایانه در ایران به سه بخش تقسیم می‌شود: گروه اول گروهی هستند که بطور تفریحی سکس با همجنس را تجربه می‌کنند. آنها می‌توانند رفتار خود را تغییر دهند. گروه دوم بایسکسوال است. "اینها آدمهایی هستند که انتخاب دارند" گروه سوم همجنسگرایان واقعی هستند. یعنی مردانی که فقط از مردان خوششان می‌آید و زنانی که فقط عاشق زنان می‌شوند. "برداشت معمولی دولت این است که این افراد بیماری‌ای دارند که گناه خودشان نیست. اگر من این را تشخیص دهم آنها را به مرکز کنترل دولتی می‌فرستم. آنجا از آنها تستهای روانشناسی می‌شود. از جمله تست تفسیر نقاشی و غیره" هیچ معالجه اجباری روانشناسی ادامه‌دار هم در کار نیست. "آنها آزادند که هر کاری می‌خواهند بکنند" برای ترانسکسوالها امکان تغییر جنسیت قانونی وجود دارد.

دکتر محرابی که همجنسگرایان را از تمام ایران معالجه می‌کند، زوجهای همجنسگرای متعددی را می‌شناسد که با هم در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. "تجمع‌هایی وجود دارد. آنها گروههای ثابتی دارند. نه خیلی به طور آشکار اما امکانش وجود دارد" اما زندگی همجنسگرایان در روستاها، محله‌های شهری یا شهرهای کوچکتر کمی سختتر از شهرهای بزرگ است. دکتر محرابی می‌گوید: "آنها روزانه با سنت‌ها درگیر هستند و به عنوان ضایعه دیده می‌شوند" خیلی از اوقات کار گیر نمی‌آورند و توسط خانواده طرد می‌شوند. هیچ نهادی وجود ندارد که از آنها نگهداری کند. "آنها خیلی از اوقات زندگی پر از بدبختی دارند. این بسیار ناراحت کننده است، آنها تا حد مرگ بیچاره‌اند" دکتر محرابی که

گاهی راجع به همجنسگرایی برای سازمان‌ها و حتی برای شورای اولترا محافظه‌کار نگهبان سخنرانی می‌کند می‌گوید: "من در سخنرانی‌هایم می‌گویم آنها بیگناهند. نمی‌شود کسی را بخاطر چیزی که در ذات اوست محاکمه کرد"

محرابی فکر نمی‌کند که اگر همجنسگراهای ایرانی از هلند به ایران بازگردانده شوند، مسئله‌ای برایشان بوجود بیاید. "کسی که از پشت بام همجنسگرایی خود را جار نزند، براحتی می‌تواند در ایران زندگی کند" او مورد اعدامی را که فقط بخاطر لواط باشد، سراغ ندارد.



دکتر فریدون محرابی می‌گوید: "هنوز خیلی جای پیشرفت برای بهبود وضعیت همجنسگرایان در ایران وجود دارد. ما هنوز به آنجا نرسیده‌ایم. حقوق همجنسگرایان در قانون باید برسمیت شناخته شود. آنها حالا در برزخ زندگی می‌کنند. در هر صورت شرایط همجنسگرایان در ایران بهتر از کشورهای همجوار است"

گزارشی از افراد دو جنسگونه و مشکلات زندگی آنان؛ مردانی که مرد نیستند!

حادثه دات کام

۲۲ بهمن - اعتماد، مدیرکل ثبت احوال استان تهران اخیرا اعلام کرده است دو جنس‌هایی که پس از عمل جراحی، تغییر جنسیت می‌دهند، با حکم دادگاه برای هویت جدید خود، می‌توانند شناسنامه دریافت کنند. سرگشتگی در میان دو جنس مخالف، نه پسر و نه دختر بودن، تنها در برزخ میان دو جنس مخالف نیست، بلکه زندگی اندوه‌بار در دنیای خاکستری است که افراد نادان، گرفتاران این وادی برزخی را با همه بیگناهی، سزاوار عقوبت‌های دوزخی می‌دانند. برخی از آنان از خانواده‌ها رانده می‌شوند، عده‌یی از تیغ زهرآگین نگاه دیگران می‌گریزند و در سرگردانی و بی‌سر و سامانی به راه‌های ناصواب کشانده می‌شوند. عمل جراحی برای رسیدن به یک هویت جدید و مستقل هزینه فراوان دارد و دو جنس‌گونگی هم که تن به جراحی می‌دهند، بی‌آنکه تحت مراقبت‌ها و راهنمایی‌های روانشناسی قرار گیرند، در سازگاری با هویت تازه، دچار مشکلات روانی می‌شوند. دختران و پسرانی که سالیانی با هویت کاذب زندگی کرده‌اند، در کنار آمدن با جنس حقیقی خود، کمتر از دو جنس‌گونگان دچار مشکلات و عوارض روانی و شخصیتی نمی‌شوند. جوانی تک پسر خانواده بود و پدرش عقیده داشت این جوان باید ادامه دهنده نسل او باشد و نام و نشان خانوادگی را زنده نگه‌دارد. برای این تک پسر زنی گرفت تا پسری به دنیا بیاورد و این نوه ادامه دهنده نسل او باشد. عروسش باردار شد و برخلاف تصور او، دختری به دنیا آورد. به دستور پدربزرگ، برای این کودک، در شناسنامه نامی پسرانه انتخاب کردند و لباس پسرانه برتنش پوشاندند. پدربزرگ، او را در نوجوانی با شکل و قیافه پسرانه به کلاس کاراته فرستاد و حالا این دختر از پوشیدن لباس دخترانه و معاشرت با هم‌جنس‌های خود گریزان است و از رفتن به مدرسه دخترانه وحشت دارد. اکنون این دختر که شخصیتی پسرانه یافته، تحت معالجه روانپزشکان قرار گرفته تا از این برزخ روانی و سردرگمی میان دو جنس مخالف نجات پیدا کند.

هویت جنسی

هویت جنسی، محصول سرمشق‌های بیشمار است که از اعضای خانواده، معلمان، دوستان و پدیده‌های فرهنگی کسب می‌شود. در شکل‌گیری هویت جنس نگرش‌های والدین و فرهنگ جامعه، اندام‌های بدن کودک و عوامل ژنتیکی نقش دارند که از لحاظ فیزیولوژیکی تا هفته ششم زندگی جنینی فعالند. اگر در دوران کودکی برخوردی درست با کودک نشود قطعا اختلالات هویت جنسی در او به وجود می‌آید و او را تبدیل به فردی سردرگم می‌کند. در موارد شدید اختلال هویت جنسی در کودکان، پسرها از هر دختری دخترانه‌تر و دخترها از هر پسری مردانه‌ترند، اما بطور کلی در طیف اختلال هویت جنسی نمی‌توان مرز مشخصی بین کودکان دچار این اختلال و دیگر کودکان قایل شد. اما نوجوانان و بزرگسالان دچار این اختلال میل دارند از جنس مقابل باشند و این میل خود را ابراز می‌کنند. اختلال هویت جنسی در بین مردان شایع‌تر از زنان است. شیوع آن در مردان یک در سی‌هزار و در زنان یک در صد هزار نفر است. بزرگسالان دچار این اختلال شکایت دارند که پوشیدن لباس‌های جنسیت تعیین شده آنها را ناراحت می‌کند. بنابراین، شبیه جنس مقابل لباس می‌پوشند و در فعالیت‌های مرتبط با آن جنس شرکت می‌کنند. این اختلال در پسرچه‌ها پیش از سن چهارسالگی آغاز می‌شود. مبدل پوشی هم جزئی از این اختلال است، ۷۵ درصد پسران مبدل پوش این کار را پیش از سن چهارسالگی آغاز می‌کنند. سن شروع این کار در دختران هم پایین است، اما بیشتر آنها تا سن بلوغ رفتار پسرانه را ترک می‌کنند. تعدادی نیز برای از بین بردن این رنج دست به عمل تغییر جنسیت می‌زنند. پوریا ۲۰ سال است که با روحیه زنانه در بدن یک مرد زندگی می‌کند. زمانی که او کودکی کم سن و سال بود دوست داشت لباس‌های دخترانه بپوشد و از لوازم آرایش استفاده کند، اما زمانی که بزرگ شد شرایط برایش سخت‌تر شد. او می‌گوید: من دوست داشتم آرایش کنم، ولی مجبور بودم این کار را در خفا و دور از چشم دیگران انجام دهم. او اکنون

می‌خواهد جنسیتش را تغییر دهد، البته اگر بتواند هزینه عمل ۱۰ میلیون تومانی‌اش را بپردازد. اگر خانواده‌اش از لحاظ مالی او را کمک نکند، قصد دارد یکی از کلیه‌هایش را بفروشد.

پوریا می‌گوید: من با یک کلیه هم می‌توانم زندگی کنم، اما در این شرایط زندگی برایم امکان‌پذیر نیست. یکی از جراحان متخصص تغییر جنسیت در این باره می‌گوید: ظرف ۱۲ سال گذشته ۳۲۰ دو جنس‌گونه را در ایران عمل کرده‌ام، مشکل اصلی این افراد بیماریشان نیست، بلکه اغلب مردم آنها را درک نمی‌کنند. اسم دوجنسی اغلب برای مردم اینطور تلقی می‌شود که هرکس انحراف اخلاقی دارد دوجنسی است، اما اینطور نیست. درست است که شرایط اجتماع باعث شده برخی از دو جنس‌گونگان برای تامین پول داروها و ویزیت گران دکترهای متخصص، مجبور به کارهای خلاف شوند اما بیشتر آنها از این وضعیت راضی نیستند.

دو جنس‌گونگان در واقع ۲ نوع هستند. افرادی که بخاطر مسائل اجتماعی و روانی به جنس مخالف تمایل پیدا کرده‌اند و دسته دوم افرادی هستند که به لحاظ فیزیکی هم زن هستند و هم مرد. یعنی هم زن مردانه در بدنشان وجود دارد، هم زنانه. اگر این بیماری در سنین پایین و کودکی تشخیص داده شود براحی قابل درمان است. شاید با یک عمل ساده! اما وقتی افراد بزرگتر می‌شوند و مثل من در ۱۸ یا ۱۹ سالگی می‌فهمند که چه مشکلی دارند، برای درمان بیماری گاهی مجبورند ۳ یا ۴ عمل در ۲ سال انجام دهند و با خوردن قرص‌های هورمون به حالت عادی برگردند. این بخشی از مشکلاتی است که دوجنسی‌ها دارند.

دکتر علیرضا کاهانی متخصص پزشکی قانونی و رییس روانپزشکان سازمان پزشکی قانونی تهران می‌گوید: اولین کلماتی که بعد از تولد نوزاد گفته می‌شود این است که دختر است یا پسر و پاسخی که داده می‌شود براساس اندام‌های خاص بدن است که به چشم می‌آید بعد از آن سرنوشت نوزاد تقریباً روشن می‌شود. جالب است که اجتماع نه فقط آموزش‌هایی خاص برای پسر یا دختر دارد بلکه حتی مشخص می‌کند هرکدام به هنگام تولد چه رنگی باید بپوشند. این تفاوت در تمام مراحل رشد دختر و پسر گذاشته می‌شود تا اینکه به سن بزرگسالی می‌رسد و چنانچه نتواند خودش را با چنین خصوصیتی که برای مرد یا زن بودن در فرهنگ تعریف شده تطبیق بدهد به او می‌گویند مبتلا به اختلال هویت جنسی شده است. احساس هویت جنسی یعنی احساس متعلق بودن به یک جنسیت خاص.

او می‌گوید: باید میان کسانی که اختلال هویت جنسی دارند با افرادی که دو جنس‌گونه (دو جنسی) هستند تمایز قائل شد. دو جنس‌گونگان اعضای غیرطبیعی جنسی دارند و در نتیجه تمایز بین دو جنس و تعیین مرد یا زن بودنشان مشکل است. در پزشکی قانونی اینها را به صورت اختلال و رشد غدد شناسایی می‌کنند. در واقع اینها اختلال ناشی از کروموزم دارند، اما در اختلال هویت جنسی افراد تمایل یا اصرار به تعلق داشتن به جنس مخالف دارند که به دو صورت خود را نشان می‌دهد یکی کلامی است یعنی فرد ابراز می‌کند که می‌خواهد به جنس مخالف متعلق باشد و غیرکلامی به این معنی که رفتاری انجام می‌دهد که شبیه به رفتار جنس مخالف است. در کشور ما از سال ۶۶ تا ۸۳، تعداد ۴۷۰ نفر به سازمان پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند تا با عمل جراحی تغییر جنسیت بدهند که البته از این تعداد ۲۰۰ نفر خواهان تغییر جنسیت از مرد به زن بوده‌اند و ۷۰ نفر زن هم می‌خواستند مرد شوند که با عمل جراحی ۲۱۴ نفر آنها موافقت و با جراحی ۱۱ نفر مخالفت شده است و بقیه هم پیگیری نکرده‌اند. در مراکز استان‌ها هم تعداد کل افرادی که برای تغییر جنسیت مراجعه کرده‌اند ۵۷ نفر بودند که ۳۹ نفرشان خواهان تغییر جنسیت از مرد به زن بودند و ۲۲ نفر زن هم می‌خواستند مرد شوند. بطور کلی شیوع این اختلال یک در ۳۰ هزار نفر در بین مردان و یک در ۱۰۰ هزار نفر در بین زنان است.

ایران یکی از کشورهای است که تغییر جنسیت را با توجه به شرایط فرد مجاز دانسته است و دستورالعمل‌های لازم نیز در خصوص آن توسط مسوولان صادر شده است. مطابق آخرین اطلاعیه ثبت احوال، از این پس افراد دو جنس‌گونه که تغییر جنسیت می‌دهند، شناسنامه جدید دریافت می‌کنند. یکی از کارشناسان ثبت احوال در این باره می‌گوید: با توجه به تحقیقات انجام شده در این خصوص مشخص شده بزرگترین مشکل افرادی که تغییر جنسیت می‌دهند این است که شناسنامه قبلی‌شان، نشان دهنده هویت قبلی آنها است. یعنی فردی که جنسیت خود را از مرد به زن تغییر داده در

همه جا با نام مرد او را صدا می‌زنند، بنابراین تصمیم گرفته شد، افرادی که تغییر جنسیت می‌دهند، با ارایه مدارک پزشکی لازم و شناسنامه قبلی خود شناسنامه جدید برای هویت جدید خود داشته باشند. هرچند مشکلات قانونی افراد خواهان تغییر جنسیت به لحاظ قانونی و شرعی حل شده است، اما هنوز جامعه ظرفیت پذیرش آنها را ندارد و بعضی به چشم یک گناهکار به آنها نگاه می‌کنند.

یکی از مبتلایان اختلال هویت جنسی که با عمل جراحی از عالم مردان وارد دنیای زنان شده است می‌گوید: «ما کار خطایی نکرده‌ایم. فقط مشکلی داریم که باید برای آن کاری شود. باید هزینه عمل جراحی کم شود تا خانواده‌ها بتوانند فرزندان دو جنس‌گونه خود را از این مصیبت نجات بدهند. بعضی از ما از شدت فشار جامعه و برخورد مردم به بزهکاری و مصرف مواد مخدر روی می‌آورند یا خودکشی می‌کنند. آیا ما یک انسان نیستیم؟ چقدر خوب است همدیگر را به جای طرد، درک کنیم. او اقدام مثبت احوال را مثبت ارزیابی می‌کند و می‌گوید: من در شناسنامه قبلی‌ام اسم و عکس مردانه داشتم و مرا با همان اسم صدا می‌کردند اما حالا در شناسنامه جدیدم عکسی با چهره دخترانه‌ام چسبانده شده و اسم دخترانه‌ی هم در آن نوشته‌اند، سعی می‌کنم با دنیای دخترانه کنار بیایم.

اولین شماره نشریه زنستان منتشر شد



info@herlandmag.com

به: نشریه زنستان
از: سازمان همجنسگرایان ایرانی
موضوع: پیام تبریک

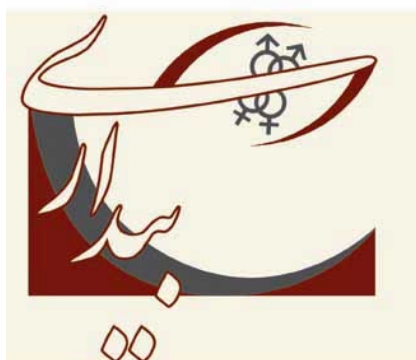
با درود فراوان به شما دوستان عزیز در نشریه زنستان پیشاپیش فرا رسیدن سال نو را به تمامی شما عزیزان و همکاران گرامیتان شادباش گفته و لحظات شیرینی را برای شما آرزومندیم. بدینوسیله انتشار نشریه زنستان را فرخنده می‌داریم و تبریک گفته و آرزو می‌کنیم که راهی را که آغاز نموده‌اید همواره سرشار از موفقیت و پیروزی باشد. ما همجنسگرایان ایرانی نیز به سهم خود برای احقاق حقوق انسانی خود در تلاش هستیم و همواره جنبش زنان را همسو با جنبش همجنسگرایان می‌دانیم زیرا که مردسالاری در هر دو قشر این جامعه باعث از بین رفتن حقوق انسانی گردیده است و باید دست به دست هم داد تا فرهنگی صحیح را ارائه نماییم. خرسند خواهیم شد چنانچه همکاری‌هایی را در این زمینه در دست اقدام قرار دهیم.

شاد باشید و سربلند

ترانه فروهر
دبیر دوم سازمان همجنسگرایان ایرانی

خبرنامه بیداری متولد شد

محسن مقدم



دوستان عزیز، همجنسگرایان و افراد دیگر اقلیتهای جنسی داخل کشور جمهوری اسلامی از جهتی با سرکوب همجنسگرایان و تبلیغ عقاید پوچ خود، استفاده ابزاری از اسلام و ترساندن افراد از دنیا و آخرت و از جهت دیگر با فیلتر کردن اینترنت همه راهها را بر روی شما بسته تا مبادا شما با آشنایی با واقعیت ها در مقابل حکومت بایستید. جمهوری اسلامی کاری کرده که گسستن از بند خرافات و پذیرفتن هویت جنسی اتان با رنج و مرارت بسیاری همراه شود. جمهوری اسلامی عشق و احساس همجنسگرایان را انکار و آنها را سرکوب و اعدام می کند.

بی تفاوتی و بی توجهی به واقعیتها ما را به جایی نمی رساند. باید فعالانه

برای تغییر شرایط زندگی خود تلاش کنیم. ما همجنسگرایان ایران می توانیم و باید نقش بسیار مهمی در تحولات و حرکت ملی بسمت آزادی، دموکراسی و حقوق بشر بعهد بگیریم. در همین رابطه دسترسی به اخبار و اطلاعات سانسور نشده بسیار مهم می باشد.

ما چند نفر از همجنسگرایان ایرانی خارج از کشور که مشکلات، سختی ها و فشارهای وارده بر شما را خود قبلاً با پوست و گوشت خود حس کرده و حالا در کشورهای آزاد زندگی می کنیم، نمی توانیم شما و مشکلات اتان را فراموش کنیم و حالا در کنار هم جمع شده ایم تا در حد توان خود، بار مشکلات و سختی های اتان را کم کنیم. قدر مسلم این است که ما نمی توانیم همه مشکلات شما را حل کنیم اما در حد خود بعنوان یک نیروی پشت جبهه سعی می کنیم به نیاز شما مبنی بر دسترسی به اخبار و اطلاعات و یافتن امکان شناخت درست از مسائل و از این طریق راه خود شناسی و دیدن رنگ آسمانی دیگر را برایتان هموار کنیم.

برای این منظور جهت کمک به زدودن تار عنکبوتی رژیم از اذهان شما خواهران و برادران همجنسگرا در داخل کشور و تسهیل کردن امر دست یابی اتان به اخبار و اطلاعات، و کمک به مشارکت مستقیم و فعالتر در تعیین سرنوشت کشور، تصمیم گرفته ایم که مجله ای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بنام (بیداری) منتشر کنیم. این مجله شکل و شمایل و حالت یک مجله معمولی را نخواهد داشت. بلکه ما هفته ای یکبار گزیده ای از مقالات و مطالب مهم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی شخصیتها، وب سایتها و چهره های معروف فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ایرانی اپوزیسیون در داخل و خارج کشور را، با ذکر منبع و اسم نویسنده، جمع آوری کرده و بصورت فابل ورد از طریق ایمیل فقط به همجنسگرایان و دیگر علاقمندان در داخل کشور خواهیم فرستاد.

مجله "بیداری" از احزاب و گروههای سیاسی اپوزیسیون کاملاً مستقل عمل خواهد کرد و در اختلافات سیاسی و دیدگاهی موجود بی طرفی کامل خود را حفظ می کند. هر چند که در انتخاب مقالات و مطالب، مواضع نویسندگان آنها و خط سیاسی اشان نسبت به حقوق همجنسگرایان را در نظر گرفته و اولویت را به کسانی خواهیم داد که علناً از حقوق ما همجنسگرایان دفاع و در این باره آگاهی رسانی می کنند، با اینهمه کیفیت مطالب، اهمیت روشنگری و نکات نهفته در آنها و همچنین موضوعات داغ سیاسی روز در انتخاب مطالب و مقالات توسط "بیداری" تعیین کننده خواهند بود. امیدواریم که "بیداری" بتواند سهمی در آگاه سازی خواهران و برادران همجنسگرای ما در داخل کشور ایفا کرده، به سهم خود بتواند نیروهای هر چه بیشتری را به ورود به میدان مبارزه برای آزادی، دموکراسی و مدرنیته ترغیب کند. از همه علاقمندان در داخل کشور که مایل به دریافت "بیداری" هستند تقاضا می شود که از طریق ایمیل با ما تماس بگیرند. هموطنان مقیم خارج میتوانند بیداری را در سایت نشریه مطالعه کنند.

آدرس وب سایت بیداری: www.bidari.info

آدرس ایمیل مجله بیداری برای ارسال مطلب: info@bidari.info

آدرس ایمیل مجله بیداری برای اشتراک: news@bidari.info

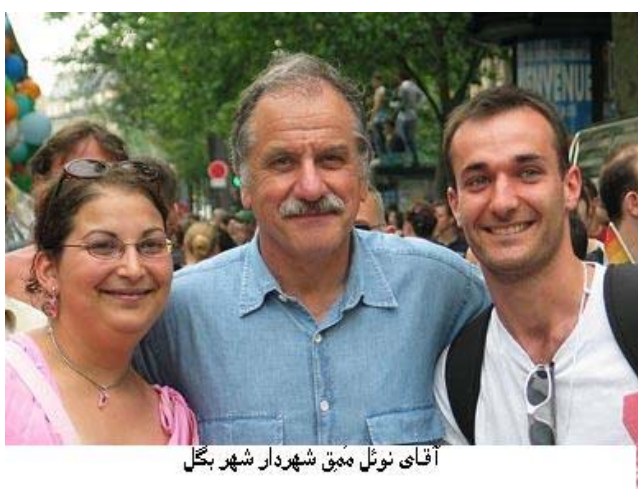
با سر بلندی قدم برداشتن

بابک امیری - نماینده سازمان در فرانسه

گزارشی تصویری از راهپیمایی جشنواره همجنسگرایان فرانسه در جون ۲۰۰۵ که با نام "با سر بلندی قدم برداشتن" برگزار شد، شرکت کنندگان در این راهپیمایی از سوی پلیس محلی ۵۰۰,۰۰۰ نفر و برگزارکنندگان، این آمار را ۷۰۰,۰۰۰ هزار نفر عنوان نمودند. راهپیمایان خواستار برسمیت شناختن ازدواج همجنسگرایان و تشکیل خانواده شدند. شایان ذکر است که در این راهپیمایی ها شهردار پاریس که خود یک همجنسگرا هست و برخی از چهره های سرشناس فرانسه حضور داشتند. با نزدیک شدن جون ۲۰۰۶ دوباره به پیشواز این جشن در پاریس و همچنین سراسر فرانسه خواهیم رفت و همه با هم در ایران و سراسر جهان هم صدا خواهیم شد.



آقای برنارد ولنویر
شهردار پاریس



آقای نوئل مویق شهردار شهر بنگل



بیماری‌هایی که از طریق مقاربت جنسی منتقل می‌شود

مانی زانیا - دبیر سلامت سازمان همجنسگرایان ایرانی

اطلاعاتی که در این جا آمده است قرار نیست جایگزین مشاوره پزشکی حرفه‌ای باشد. اگر که در این باره نگرانی دارید لطفاً با مددکار درمانی خود مشاوره کنید .

بیماری‌هایی که از طریق مقاربت جنسی منتقل می‌شوند چه هستند؟ بیماری‌هایی که از طریق مقاربت جنسی منتقل می‌شوند (که به اختصار به آنها STDs می‌گویند) امراضی هستند که از طریق تماس فیزیکی مقاربت جنسی به بدن منتقل می‌شوند. این امراض از طریق ویروس، باکتری و یا پارازیت رخ می‌دهند. این بیماری‌ها همچنین به نام "عفونت‌هایی که از طریق مقاربت جنسی منتقل می‌شوند" (STIs) و یا به اسم قدیمی شان "بیماری‌های مقاربتی" (VD) شناخته می‌شوند. حداقل ۲۵ نوع امراضی وجود دارد که از طریق مقاربت جنسی منتقل می‌شوند. آنچه وجه اشتراک این امراض است این است که همه از طریق تماس جنسی، منجمله واژن، مقعد و دهان منتقل می‌شوند. امراضی که در این جزوه از آنها نام برده شده به هیچوجه لیست کاملی نیستند، بلکه صرفاً رایج‌ترین این امراض هستند.

چگونه می‌توانید دریابید که مبتلا به این امراض هستید؟ هر کس که از نظر جنسی فعال است در معرض خطر مبتلا شدن به این دسته از بیماری‌ها قرار دارد. برخی از این نوع بیماری‌ها عوارضی دارند، مانند مایعاتی که از طریق اندام تناسلی ترشح می‌شوند، درد هنگام ادرار و یا تورم و بادکردن اندام تناسلی. بسیاری از این بیماری‌ها، مانند کلامیدیا (Chlamydia) اغلب موارد بدون عوارض هستند. از این رو مناسب است که یک معاینه جنسی برای تشخیص این بیماری‌ها داشته باشید اگر که فکر می‌کنید ممکن است در معرض ابتلاء به آنها قرار گرفته باشید. برخی اوقات مدت زیادی طول می‌کشد قبل از اینکه این بیماری‌ها عوارض خود را نشان بدهند و طی چنین دوره‌ای ممکن است شما عفونت خود را به دیگران منتقل کنید. از این رو لازم است که شما برای این بیماری‌ها معاینه شده و آزمایش شوید. اگر شما با کسی رابطه دارید و تشخیص داده شده که به این بیماری‌ها مبتلا هستید این به این معنا نیست که همزی شما لزوماً فاسق است. عوارض این بیماری‌ها اغلب ماه‌ها بعد از سرایت بروز می‌کنند.

چگونه می‌توانید از ابتلاء به این بیماری‌ها ممانعت کنید؟ شما می‌توانید خطر مبتلاء شدن به این بیماری‌ها را کم کنید اگر که هنگام مقاربت جنسی از کاپوت و وسایل مشابه استفاده کنید و خود و همزی تان برای این گونه بیماری‌ها معاینه شوید. هر چه با افراد بیشتری مقاربت جنسی داشته باشید ریسک مبتلاء شدن به بیماری‌ها بیشتر خواهد شد. روش‌های دیگر تقلیل خطر ابتلاء به این بیماری‌ها استفاده از کاپوت و وسایل مشابه در هنگام تماس جنسی دهنی، تمیز کردن وسایل تحریک جنسی بعد از استفاده، شستن دست‌های خود بعد از آمیزش جنسی، و بهبود روش‌های تمیزکردن اندام تناسلی هستند.

چرا مهم است بدانید که آیا به این بیماری‌ها مبتلاء هستید؟ بسیاری از بیماری‌های مقاربتی بسیار عفونی هستند و می‌توانید تأثیرات دراز مدت منجمله عقیم شدن بجا بگذارند. بسیاری از این بیماری‌ها از طریق فرد مبتلاء به طرف دیگر او در یک رابطه جنسی منتقل می‌شوند و برخی از آنها از طریق مادر به نوزاد متولد نشده او می‌توانند منتقل شوند. بیماری‌های آمیزشی حتی امکان انتقال «ویروس نقص ایمنی انسان» (HIV) را تسریع می‌کنند .

یک راهنمایی درباره بیماری‌هایی که از طریق مقاربت جنسی منتقل می‌شوند:

واژینوسیس میکروبی (Bacterial Vaginosis – BV) به معنای دقیق کلمه یک بیماری آمیزشی نیست زیرا که از طریق مقاربت جنسی منتقل نمی‌شود. ولی این بیماری از طریق رابطه جنسی تشدید می‌شود و اغلب موارد در زنانی که از نظر جنسی فعال هستند پیدا می‌شود تا در زنانی که هیچوقت مقاربت جنسی نداشتند. عامل این بیماری به هم خوردن توازن در وضعیت یک باکتری عادی و امن است که در واژن زن وجود دارد و هر چند که نسبتاً بی‌خطر است و توجه به خود جلب نمی‌کند ولی برخی اوقات ممکن است به ترشح بیش از حد مایعی منجر شود که بوی نامطبوع ماهی‌گندیده می‌دهد. هر چند که توضیح روشنی برای وقوع این بیماری وجود ندارد ولی این توضیح مطرح شده که ترکیب بازی منی مرد ممکن است یک عامل باشد زیرا که می‌تواند محیط اسیدی باکتری‌های واژن را عوض کند. یک

عامل دیگر می تواند استفاده از کویل بعنوان یک وسیله پیشگیری توسط زنان باشد. یک زن نمی تواند واژینوسیس میکروبی را به یک مرد منتقل کند ولی ضروری است که او مورد درمان قرار گیرد چه اینکه این بیماری اغلب از واژن به رحم حرکت کرده و وارد لوله فالوپ شده و می تواند باعث عفونت بسیار جدی شود. درمان این بیماری از طریق مالیدن یک کرم به واژن و استفاده از آنتی بیوتیک است.

بالانیتیس (Balinitis) اغلب بعنوان یکی از عوارض عفونیت و نه لزوماً نوعی عفونت به اعتبار خود شناخته می شود. به معنای دقیق کلمه یک بیماری مقاربتی نیست بلکه بیشتر یک از عواقب فعالیت جنسی است. فقط مردان به این بیماری مبتلا می شوند و اغلب خود را بصورت تورم سر آلت تناسلی مرد نشان می دهد. این بیماری بیشتر در مردانی وجود دارد که ختنه نشده اند. عامل این بیماری بهداشت کم، سوزش ناشی از کاپوت و یا وسایل کشنده اسپرم، استفاده از برخی وسایل آرایش معطر و شستن زیر پوست ختنه گاه می باشد. درمان آن شامل استفاده از کرم برای تخفیف تورم و در صورت لزوم آنتی بیوتیک است.

کلامیدیا (Chlamydia) رایج ترین بیماری قابل درمان مقاربتی است. این بیماری اگر که درمان نشود می تواند باعث مشکلات جدی در مراحل بعدی زندگی شود. کلامیدیا باعث عفونت مدخل رحم (cervix) در زنان می شود. مجرای خروجی مثانه (urethra)، مقعد و چشمان در هم زن و هم مرد ممکن است از این بیماری عفونت یابند. عوارض عفونت در هر زمانی ممکن است بروز کنند. اغلب این عوارض چیزی بین یک یا سه هفته بعد از ابتلاء به بیماری رخ می دهند. البته عوارض بیماری ممکن است برای مدت مدیدی خود را نشان ندهند.

شپش ناحیه تناسلی (Crabs or Pubic Lice) انگل های کوچکی به شکل خرچنگ هستند که در بین مو زندگی کرده و از خون تغذیه می کنند. اینها عمدتاً در بین موهای ناحیه تناسلی زندگی می کنند ولی ممکن است در بین موهای زیر بغل و همینطور موهای صورت و ابروی چشم هم زیست کنند. این انگل ها می توانند بیرون از بدن هم به زندگی خود ادامه بدهند و از اینرو در لباس، ملافه های تشک و حوله هم ممکن است پیدا شوند. شما ممکن است این نوع شپش را با خود حمل کنید و از آن مطلع نباشید. ولی دو تا سه هفته بعد از آن دچار نوعی خارش می شوید. این نوع انگل عمدتاً از طریق تماس فیزیکی در حین مقاربت جنسی منتقل می شود ولی ممکن است از طریق استفاده مشترک از لباس، حوله و یا ملافه با کسی که آن را دارد نیز منتقل شود. هیچ روش موثری برای جلوگیری از سرایت این انگل به خودتان وجود ندارد ولی شما می توانید با شستن لباس ها، حوله و ملافه تان با آب داغ از سرایت آن به دیگران جلوگیری کنید. محلول ضد عفونی ویژه ای را می توان از داروخانه خرید و به بدن مالید تا این انگل را از بین ببرد. تراشیدن موهای ناحیه تناسلی لزوماً باعث از بین رفتن این انگل نمی شود.

اپیدیمیتیس (Epididymitis) اشاره به تورم اپیدیمیتیس، که یک مجموعه از مجاری که در بالای بیضه ها قرار دارند و اسپرم تولید شده را ذخیره می کنند، دارد. این وضعیت همیشه نتیجه بیماریهای مقاربتی نیست. ولی اگر چنین باشد، اغلب ناشی از وجود کلامیدیا و یا گانوریا (Gonorrhoea) است. عوارض این بیماری خود را بشکل تورم دردناک بیضه ها و کیسه بیضه ها (scrotum) نشان می دهند. بهترین روش جلوگیری از این بیماری استفاده از کاپوت در حین مقاربت جنسی است زیرا این بهترین روش جلوگیری از سرایت کلامیدیا و گانوریا است. اپیدیمیتیس خودش به کسی سرایت نمی کند ولی عفونت های دیگری که مسبب آن بودند قابل سرایت هستند. (در باره کلامیدیا و گانوریا به بخش های بعدی رجوع کنید). درمان این بیماری از طریق استفاده از آنتی بیوتیک برای درمان عفونت هایی که باعث آن بودند صورت می گیرد.

تب خال ناحیه تناسلی (Genital herpes) توسط ویروسی بنام هرپیس سیمپلکس (herpes simplex) رخ می دهد. این ویروس می تواند بر دهان، ناحیه تناسلی، پوست اطراف مقعد و انگشتان اثر بگذارد. بعد از اولین شیوع تب خال، این ویروس می تواند در بین بافت های عصبی مخفی بماند، یعنی جایی که کاملاً غیر قابل تشخیص است و باعث عوارضی نمی شود. عوارض اولین عفونت معمولاً بین یک تا ۲۴ روز بعد از در معرض این بیماری قرار گرفتن رخ می دهند و برای دو تا سه هفته دوام می آورند. چه مرد و چه زن ممکن است یک یا چند نوع از عوارض این بیماری را داشته باشند که شامل حس خارش یا سوزش در ناحیه تناسلی یا اطراف مقعد، تاول های آبدار کوچکی که ممکن است

بترکند و زخم‌های دردآور کوچک به جا بگذارند، برخورداری از درد هنگام ادرار اگر که ادرار از روی زخم‌های باز بگذرد، کسالت شبیه ابتلاء به آنفلونزا، کمردرد، سردرد، غدد متورم و تب می‌باشند.

زگیل ناحیه تناسلی (Genital warts) تومورهای گوشتی کوچکی هستند که ممکن است در هر کجا از ناحیه تناسلی مرد یا زن پدیدار شوند. این بیماری در اثر ویروسی بنام "ویروس پاپیلوما انسان" (Human Papilloma Virus – HPV) باعث می‌شود. زگیل ممکن است روی آلات تناسلی و یا اندام مختلف بدن، مانند دستان رشد کند. بعد از اینکه ویروس زگیل ناحیه تناسلی به شما منتقل شد معمولاً بین یک تا سه ماه طول می‌کشد که این زگیل‌ها بر روی اندام تناسلی شما ظاهر شوند. شما و یا همزی تان ممکن است متوجه ظاهر شدن تکه‌های سفید/صورتی کوچکی یا تکه‌های بزرگتری شبیه کلم روی ناحیه تناسلی شوید. این نوع زگیل در حوالی ناحیه خارجی واژن، پنیس، پوست بیضه و مقعد ظاهر می‌شوند. ممکن است به تنهایی یا بصورت گروهی رشد کنند. باعث خارش می‌شوند ولی بدون درد هستند. اغلب بجز خارش عارضه دیگری ندارند و ممکن است به سختی قابل دیدن باشند. اگر زنی در مدخل رحم اش زگیل داشته باشد، در آن صورت ممکن است باعث خونریزی جزئی شود و بصورت نادر ممکن است نوعی مایع رنگی از ناحیه واژن ترشح شود.

گانوریا (Gonorrhoea) نوعی عفونت میکروبی است. معمولاً از طریق تماس جنسی منتقل می‌شود و ممکن است باعث عفونت مدخل رحم، مجرای خروجی مثانه، مقعد و گلو شود. عوارض این بیماری ممکن است بین ۱ تا ۱۴ روز بعد از ابتلاء به آن ظاهر شوند. ممکن است به این بیماری مبتلاء شد و در عین حال هیچ عارضه‌ای هم نداشت. در مردان احتمال تشخیص عوارض این بیماری بیش از زنان است.

عفونت‌های دستگاه گوارشی (Gut Infections) ممکن است در هنگام رابطه جنسی منتقل شوند. دو تا از رایج‌ترین این عفونت‌ها "آمویی بیاسیس" (Amoebiasis) و "جیاردیاسیس" (Giardiasis) هستند. اینها عفونت‌های میکروبی هستند و وقتی که به ناحیه شکم می‌رسند باعث اسهال و درد شدید معده می‌شوند. عفونت‌های دستگاه گوارشی بین دو نفر منتقل می‌شود بویژه وقتی که یک نفر به این عفونت‌ها مبتلاء باشد و در رابطه جنسی تماس با مدفوع و یا مقعد صورت گیرد. استفاده از وسایلی مانند کاپوت و یا استفاده از دستکش‌های پلاستیکی می‌تواند جلوی سرایت این بیماری را بگیرد. وسایلی که برای تحریک جنسی هستند باید بعد از استفاده شسته شوند و همینطور دستان تان اگر در تماس با مدفوع قرار گرفتند باید شسته شوند. درمان‌هایی که برای مداوای اسهال وجود دارند برای درمان بسیاری از این عفونت‌ها کافی هستند ولی ممکن است استفاده از آنتی‌بیوتیک هم لازم شود.

هپاتیس (Hepatitis) باعث تورم کبد می‌شود. انواع مختلف هپاتیس وجود دارند. رایج‌ترین آنها هپاتیس A، B و C هستند. هر کدام از این ویروس‌ها به نحو متفاوتی عمل می‌کنند. هپاتیس ممکن است در اثر استفاده از الکل و یا مواد مخدره رخ دهد ولی اغلب ناشی از نوعی عفونت ویروسی است.

مولاسکوم (Molluscum) یک بیماری پوستی است که توسط ویروس «مولاسکوم کانتاجیوسوم» رخ می‌دهد. این بیماری بصورت برجستگی‌های کوچکی بر روی پوست ظاهر می‌شوند و ممکن است برای یکی دو هفته تا چند سال باقی بمانند. مولاسکوم باعث برجستگی‌های مرارید شکلی به اندازه یک خال بر روی ران، کفل، اندام تناسلی و برخی اوقات صورت می‌شود. این بیماری از طریق تماس فیزیکی در عین مقاربت جنسی و یا تماس پوستی منتقل می‌شود. جلوی انتقال این بیماری را می‌توان با استفاده از کاپوت، اجتناب از تماس پوستی با کسی که به این بیماری مبتلاء است و یا نداشتن رابطه جنسی با چنین فردی تا زمانی که درمان شود، گرفت. در بیشتر موارد مولاسکوم بدون درمان رفع می‌شود. ولی آنها را می‌توان خشک کرد و یا با استفاده از مواد شیمیایی پوشاند.

یوره ثرایتیس غیر مشخص (Non-Specific Urethritis - NSU) تورم مجرای خروجی مثانه مرد است. این تورم ناشی از چند نوع عفونت مختلف است که رایج‌ترین آنها کلامیدیا است. یوره ثرایتیس غیر مشخص ممکن است برای ماه‌ها و حتی در مواردی برای سال‌ها در یک رابطه تجربه شود. عوارض یوره ثرایتیس غیر مشخص ممکن است شامل این موارد شود: درد و یا حس سوزش هنگام دفع ادرار، ترشح یک مایه سفید/شیری از نوک آلت تناسلی مرد که در اول صبح ممکن است بیشتر مورد تشخیص باشد و این حس که باید بکرات دفع ادرار کنید. اغلب ممکن است هیچ عارضه‌ای

وجود نداشته باشد ولی این به معنا نیست که ممکن نیست این عفونت را به همزی تان منتقل نکنید.

حَرَب (Scabies) توسط کرم های انگلی که به زیر پوست می روند و باعث خارش می شوند رخ می دهد. این کرم ها بسیار کوچک هستند و قابل رویت نیستند و بسیاری افراد نمی دانند که آنها را با خود حمل می کنند. اینها باعث خارش می شوند و این وضعیت ۲ تا ۶ هفته بعد از سرایت به مرض شروع می شود. علائم این بیماری وجود خط های قرمز در زیر پوست دست، کفل و اندام تناسلی است. رایج ترین نحوه سرایت این بیماری از طریق تماس فیزیکی در حین مقاربت جنسی است هر چند ممکن است با استفاده مشترک از حوله و یا لباسهای فرد دیگری که به بیماری مبتلا است سرایت صورت گیرد. این نحوه سرایت البته غیر معمول است. هیچ روش موثری برای اینکه از سرایت بیماری به خود جلوگیری کنید وجود ندارد هر چند که می توانید با شستن لباس ها و ملافه های خود در آب داغ از سرایت این بیماری به دیگران جلوگیری کنید. مایعات ضد عفونی وجود دارد که می توانید از داروخانه بخرید و به بدن خود بمالید تا این انگل از بین برود .

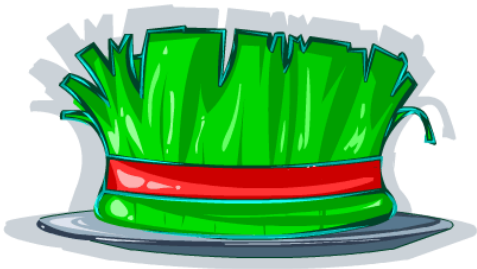
سفلیس (Syphilis) این بیماری نوعی عفونت باکتریایی است. اغلب از طریق معاشرت جنسی منتقل می شود ولی ممکن است از طریق مادری که به آن مبتلا است به نوزاد متولد نشده اش هم سرایت یابد. علائم و عوارض سفلیس برای مرد و زن یکی است. این عوارض ممکن است به سختی قابل تشخیص باشند و از زمان مقاربت جنسی با کسی که به این بیماری مبتلا است ممکن است تا سه ماه طول بکشد قبل از اینکه عوارض بیماری ظاهر شوند. سفلیس چندین مرحله دارد. مراحل اول و دوم آن بسیار مسری هستند.

برفک (Thrush) که به آن کندیاسیس (candidiasis) هم می گویند قارچی (yeast) است که بر روی پوست زندگی می کند و رشد آن توسط باکترهای بی ضرر دیگری که وجود دارند محدود می شود. اگر این قارچ خود را تکثیر کند می تواند باعث خارش، تورم، زخم شدگی و ترشحات در مرد و زن شود. زنان ممکن است هنگام دفع ادرار نوعی ترشح غلیظ سفید را تجربه کنند. بسیاری از مردان ممکن است چنین ترشحاتی را از آلت تناسلی مرد تجربه کنند و برایش سخت باشد تا پوست ختنه گاه خود را عقب بزند. برفک هنگام مقاربت جنسی با کسی که به آن مبتلا است سرایت می کند. ولی همینطور در صورتی که لباسهای بسیار تنگ نایلونی یا الیافهای مصنوعی بپوشید و یا آنتی بیوتیک مصرف کنید نیز ممکن است بروز کند. برخی اوقات علت وقوع آن روشن نیست. برای جلوگیری از سرایت این بیماری استفاده از کاپوت هنگام مقاربت جنسی موثر است و تا آنجا که به مردان مربوط می شود شستن منظم زیر پوست ختنه گاه شان نیز مفید است. معالجه برفک شامل استفاده از درمانهای ضد قارچ می شود. برفک ممکن است بویژه در زنان دوباره عود کند .

تراکومانوس واژینوسیس (Trichomonas Vaginosus) که به اختصار به آن تریش (Trich) هم می گویند در اثر یک پارازیت که در واژن زنان و در مجرای خروجی مثانه مردان وجود دارد رخ می دهد. اغلب عارضه ای وجود ندارد. اگر عوارض این بیماری ظاهر شوند در آنصورت در مردان به شکل درد در حین ادرار و یا انزال در طی مقاربت جنسی و در زنان بصورت زخم زدگی در طی مقاربت جنسی و دفع ادرار و تورم ناحیه بیرونی واژن بروز می کنند. سرایت این بیماری معمولاً از طریق رابطه جنسی از طریق دهان، مقعد و واژن با کسی که به آن مبتلا است رخ می دهد. معالجه این بیماری شامل استفاده از آنتی بیوتیک می شود و در صورت درمان مجدداً عود نمی کند .

چرند و پرند

پویا



(من پویا هستم؛ نمی دانم با من تا چه اندازه آشنا هستید، من نویسنده (بهتر بگویم گرداننده) ستون "من هم هستم" در مجله سه کاف هستم. ستونی مربوط به اقلیتهای جنسی در یک مجله ای که بیشتر مطالبش مربوط به اکثریت بود.) چرند و پرند به زبان عامیانه هست و سعی در ایجاد صمیمت گفتاری دارد و مایل به تغییر ادبیات نوشتاری نیست. فارسی را باید همیشه پاس داشت. شایان ذکر است که این ستون سعی دارد که اخبار و اتفاقات و سخنان مردم کوچه و بازار را با همان لحن شوخ آنها بیان کند و هدف دیگری ندارد.

ای مزدا، خرد مرا از بهترین گفتارها و کردارها بیگاهان.

تا در پرتو پارسایی و راستی برترین راه ستایشت را بیاموزیم.

باشد که: در پرتو خواست و توان اهورایی تو

از یک زندگانی نوین و سرشار از راستی بهرمنند گردیم.

سلام بچه ها.

خیلی خوشحالم که توی این شماره نروزی با شما هستم. نروز را به همتون تبریک میگم. امید سلامتی، شادی، دلخوشی، عشق، ثروت و هر چیز خوب توی این دنیاست را براتون دارم. اول بریم سر یه سری موضوع نه چندان جدی، به خاطر عید ما این دفعه چند خط جدی را نداریم.

اول اینکه به خاطر سانسور کردن جُکهای من توسط ادیتور مهربان و عزیزم (چون فکر می کنه که استفاده از اسمها و قومها، توی جُک درست نیست) منم سعی می کنم جُک ننویسم یا اگه بنویسم، خودم سانسورش می کنم. ولی طوری که شما متوجه بشین منظورم چیه و از این گذشته چون smsهای منو از پینگلیش به فارسی نوشتن، منم توی این شماره sms نمیذارم. آخه نمیدونم کی sms فارسی مینویسه؟! مزه sms به پینگلیش بودنش عزیز من.

ضمنا از تعطیلات استفاده کنید و مجله را به دوستان و هم گراپشانتون معرفی کنید. معرفی این مجله و سایت خیلی مهمه. بچه ها با این کار کمک بزرگی می تونید در راه رسیدن به آزادی جنسی داشته باشید. از هر راهی که به ذهنتون میرسه استفاده کنید تا سایت و سازمان و مخصوصا مجله را به بقیه معرفی کنید هم به اقلیتهای جنسی و هم به اکثریت. حتی معرفی به یک نفر هم خیلی مهمه. این مسئله را جدی بگیرید. توی محافل و بین دوستان همگرایش بگین، شاید کسانی بین اونها باشن که اطلاعی از وجود چنین سازمان و مجله ای ندارن. معرفی سایت به همه را هم شروع کنید.

ضمنا راه اندازه تلویزیون برای ما خیلی مفید میتونه باشه، اگه تلویزیون ما از طریق ماهواره، حتی روزی چند ساعت هم برنامه داشته باشه، حتی اگه فقط موزیک هم پخش کنه، خیلی برای آشنایی مردم با مسئله اقلیت خوب و مفیده. از اونجایی که اکثر ما نمی تونیم در مورد اقلیت بودنمان با بقیه بحث کنیم (به خاطر دید بد بقیه نسبت به این قضیه) برای شکستن این تفکر غلط دیگران، بهتره که از تلویزیون استفاده بشه. این کار هم توسط پولهای که شما ارسال می کنید و همینطور اسپانسرها امکان پذیره. خیلی از اقلیتهای وضع مالی خوبی دارن و به راحتی میتونن کمک خوبی برای راه اندازه این تلویزیون داشته باشن. این به خاطر کل جامعه اقلیت هست و هم برای راحت زندگی کردن نسلهای بعدی. ما خیلی اذیت شدیم ولی با این کارها و تبلیغات، هم میتونیم تا چند سال دیگه خیلی راحت تر از حالا زندگی کنیم و



هم آیندگانمون راحت زندگی کنند. پس احتیاج به یک جهش فرهنگی داریم. هم مجله را به همه معرفی کنیم و هم کمک کنیم تا تلویزیون ماهواره ای راه بیفته.



به مژده و عیدی به تمام دوستان خوبم دارم. آگه گفتین چیه؟! زیاد خودتون رو اذیت نکنین، خودم میگویم. البته این مسئله فعلا اینجا بین خودمون میمونه تا وقتی که متن اعلام رسمی اونو آماده کنم و از طریق مجله واستون بفرستن.

میخوام به ویژه نامه ای آماده کنم (خودم) فقط مربوط به داستانهای سکسی و غیر سکسی و فانتریها و داستانهای عاشقانه و شیرین. این ویژه نامه فقط بوسیله مطالب خودتون پر میشه. خودم هم اونو منتشر می کنم. فعلا بصورت به ویژه نامه که هر وقت آماده بشه در کنار مجله واسه کسانی که درخواست کنن ارسال میشه و آگه هم استقبال خوب باشه و مطالب ارسالیتون هر ماه خوب و زیاد باشه، به صورت به مجله جدا منتشر میشه. (البته عده ای از دوستان این تقاضا رو از مجله داشتن که مسئولیتش به من داده شده.) از همین حالا شروع کنید تا بتونیم هر چه زودتر این شماره اول را بدیم بیرون. بهترین خاطرات عشقی و سکسی و غیر سکسی و فانتریهای خودتون را در قالب

word به صورت فارسی تایپ کنید و برای من بفرستید. (فانتریها یعنی خیالات و داستانهای ذهنی سکسی یا غیر سکسی یا عشقی). اینهم عیدی من به تمام دوستای عزیزم. (راستی باید به اسم خوب هم واسش انتخاب کنیم) ای بابا، می خواستم sms نویسم ولی همین الان عشقم به sms واسم فرستاد که دلم نیومد واستون نذارم. ولی تو رو خدا، ادیتور عزیز، اینو همینطوری پینگلیش چاپ کن. این sms را اول به عشقم و بعد به شما تقدیم می کنم. شما هم واسه عشقاتون بفرستید.

7 ta sin ro baraye 7sine shabe eyd taghdime to behtarin mikonam;

Salamati, Saadat, Servat, Sarbolandi, Sedaghat, Sabzi, Sepid bakhti.

به خدا خیلی دوستش دارم. به قول اون آهنگ بیژن با مریم: بیشتر از همیشه دوستت دارم، گر چه از عاشقی و عاشق شدن بیزارم، زیر آوار فرو ریخته عشق، از دلم چیزی نمونده که به تو بسپارم . . . بچه ها الان شبکه ۵ (تهران) داره فیلمهای نوروزیش رو تبلیغ میکنه. من عید از پای کانال ۵ پا نمیشم. خیلی فیلم های باحالی داره. مثل پایگاه، اسمیت، ۸۰ روز دور دنیا و . . . خوب، قبل از اینکه بریم سر اخبار، به ترانه میخوام به عشقم تقدیم کنم، از رضا صادقی:

این غم که تو صدامه، زخم شب گریه هامه یاد به عشق کهن ست، که هنوزم با هامه

با ما که راه نیومد، این روزگار نامرد صدای من به جز تو، رو هر دلی اثر کرد

غصه و اشک و حسرت، اول مشق عشقه حالا همه میدونن، که مشکی رنگ عشقه

کاشکی میشد به روزی، بشی تو مهربونم سر بذاری رو شونم، خودم برات بخونم: دلم برات تنگ شده

جونم . . . امیدوارم تو سال جدید این روزگار با هممون راه بیاد مخصوصا با عاشقها و عشقای هممون باهامون مهربون بشن. حالا بریم سر اخبار:

راستی از این به بعد به مطالب شماره قبلی مجله هم گیر میدم. از آنجایی که "وگوری" نقش و شخصیت مورد علاقه من است، آوردن عکس ایشان را در کنار مطلب بگو رمانتیک و بنویس... ؛ قویاً محکوم می کنیم و از ایشان طلب پوزش و مغفرت برای آن مرحوم و صبر عظیم برای خانواده داغدیده ایشان داریم.

شب چهارشنبه آخر هر سال، از قدیم و ندیم (تا آنجا که من یادم می آید! البته به وقت فکر نکنین که طرف، یعنی من، از خدا چند ماه کوچیکترم، همش ۲۵ سالمه به خدا، تازه چهره ام کمتر از اینو نشون میده، حدود ۲۰-۲۱، اینو همه میگوین به خدا). مراسم بر پا می شد به نام چهارشنبه سوری. این مراسم چیز عجیب و غریبی نبود و تا قبل از این، که من هم به خاطر دارم، اینگونه برگزار می شد که در هر کوچه و خانه ای، چند تیکه چوب و تخته را روی هم می داشتند و آتشی روشن می کردند و زردی من از تو، سرخی تو از من می گفتن و خلاص. صدای ترقه ها هم از گوگرد چند تا کبریت

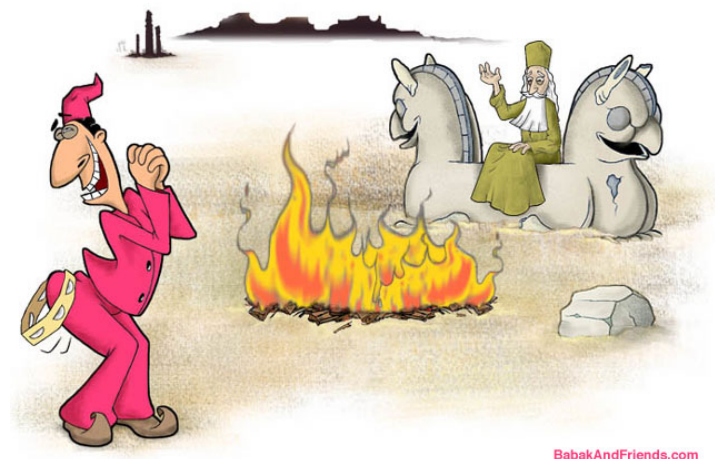
بی‌خطر ول می‌شد که زیاد هم ترسناک نبود. بعضی بچه‌ها هم ملاقه‌ای می‌زدند که آن هم عجیب و غریب نبود... (خدا شاهده، این یکی رو من نبودم!) اما حالا چهارشنبه سوری فرق کرده؛ هم توی فرم و هم محتوا. فرم آن را که لابد دیده و شنیده‌اید. فشفشه و ترقه و نارنجک و سرنج و سرنج و حشره‌کش و لاستیک... در دستان نوجوانان و جوانان (و بقیه!) ماه اسفند را به ماه خون و حماسه (!) تبدیل کرده است و شب چهارشنبه‌سوری هم بی‌شبهت به شب‌های عملیات جنگی نیست. جراحات و تلفات هم که تا دلتان بخواهد، فراهم است. حالا چهارشنبه آخر سال اومد و رفت هر چی ما داد زدیم که بالاغیرتاً یک کاری نکنید که خودتان و بغل دستی تان و شونصد نفر آن طرف ترتان را منفجر کنید! کسی گوش نکرد، بابا باور کنید بدون انفجار و کشت و کشتار هم چهارشنبه سوری آدم در می‌شه. (حالا یا در می‌شود یا هر چی دیگر بالاخره یک چیزی می‌شود دیگر، شما هم گیر دادیدها!) آخه بذارید واسه چهارشنبه سوری سال دیگر هم آدم باقی بمونه. میخوام واستون از سایت بازتاب به مطب باحال در این مورد بنویسم. بالاخره ما انسانهای فهیم (منم چه خودمو داخل این جمعیت کردم، حال کنید. میخوام اینجا به جک بنویسم همونطور که گفتم از اونجایی که ادیتور محترم همیشه بعضی از کلمات توی جکها و SMSهای منو سانسور میکنه، این دفعه خودم اینارو سانسور میکنم. به ت... می‌بینه که آرنولد و استالونه را پلیس گرفته و دارن میبرن، میره بین این دوتا، میگه ما سه نفر دارین کجا میبرین. حالا شده قضیه من.) داشتم میگفتم که ما فهیم‌ها (جمع فهیم) خیلی خوب میتونیم مناسبتها و مراسم را به نام خودمون مصادره کنیم این هم فانتزیش در باره چهارشنبه سوری از سایت بازتاب:

مجری شبکه ماهواره‌ای سلطنت‌طلب:

چهارشنبه‌سوری یعنی اعتراض؛ یعنی فریاد؛ یعنی ما دیگه این رژیم رو نمی‌خوایم؛ یعنی ما اعلی‌حضرت رضاشاه رو نمی‌خوایم. چهارشنبه سوری یعنی اعلی‌حضرت بیا، ما منتظریم. هر جرقه آتش در این شب، یعنی ما هواخواه سلطنتیم و هر ترقه یعنی بیا... مطمئن باشید، عزیزان که اعلی‌حضرت صدای شما رو می‌شنون... ایشون هر صدای بلندی رو می‌شنون، البته به شرطی که بی‌ادبی نباشه...

سرمقاله یک روزنامه اصولگرا:

اکنون بر همگان واضح و مبرهن است که با تدبیر و



BabakAndFriends.com

بصیرت عالمان درد آشنا و روشنفکران متعهد، می‌توان همین رسم ضاله چهارشنبه آخر سال را به گونه‌ای اسلامی - ایرانی تفسیر کرد. هر ترقه‌ای که امسال می‌ترکد و هر آتشی که روشن می‌شود، می‌تواند حاوی این پیام صریح و روشن به غریبان و شورای حکام باشد که: انرژي هسته‌ای، حق مسلم ماست؟..

سخنرانی یک روشنفکر در همایش (سنجش آتش ناب):

از منظر هستی‌شناسانه، پارادایم آتش، آن‌گاه که هنوز در مواجهه با پارادکس آب قرار نگرفته، قادر به روشنگری است. از زرتشت تا سهروردی و از سهروردی تا کانت و از وی تا ولتر و نیچه و تا همین اکنون، آتش همواره در جنگ با جهل و ارتجاع بوده است و به همین خاطر، همیشه روشنگران و دگراندیشان، یا در آتش سوزانده می‌شده‌اند، یا به خاکستر گرم می‌نشستند و یا دماغشان می‌سوخت! به همین خاطر، چهارشنبه‌سوری، رسمی کاملاً روشنفکرانه است. من حتی شواهدی دارم که نیچه، تا پیش از آتش گرفتن سیل‌هایش، پایبندی عمیقی به پریدن از روی آتش داشته است.

مدیر یک شبکه ضداسلامی از لندن:

از نشانه‌های دیگری که نشان می‌دهد، ایرانی‌ها هرگز به اسلام نگروده‌اند، همین چهارشنبه‌سوری مبارک است. من با قاطعیت از همین تریبون، خطاب به آن نادان‌هایی که گمان می‌کنند، اکثریت مردم ایران به دین تازی‌ها گرویده‌اند، اعلام می‌کنم که ای کوران، ای نابینایان، ای هیچی‌نهم‌ها، ای بی‌تربیت‌ها! چرا فکر می‌کنید این چند هزار مسجد و آن

چند میلیون نمازخوان، نشانه اسلام ایرانی‌هاست، مگر چهارشنبه سوری را نمی‌بینید؟ مگر آن تَرَق تَرَق مبارک را نمی‌شنوید؟ آن وقت می‌گویند، ما صَمِّکُمْ لَا یعقلون هستیم!

تئوریسین گروه فشار:

برویج همگی آماده باشن، سه‌شنبه از ظهر برنامه داریم. می‌ریزن تو محل، هرچه سوسولې که دیدین، اول یك فصل کتکش می‌زنین، بعد هم ترقه‌ها رو ور می‌دارین می‌رین تو محله‌های شلوغ، زیر پای دخترای بدحجاب. اگه اوضاع هم خیلی قاطی پاتی شد، همونجا از روی موتور، ترقه‌ها رو بندازین تو جمعیت، این‌شالله می‌خوره تو سر بی‌بندوبارها... این آتش‌بازی لوس آخر سال هم می‌تونه نشون‌دهنده قدرت ما باشه، اگه خدا بخواد... .

یک مأمور آتش‌نشانی:

چهارشنبه سوری، یکی از آیات خداست و نشون می‌ده که هنوز به خدایی اون بالا هست که هر جور شده، نمی‌ذاره ما رو بازخرد کنن.

سخنگوی کاخ سفید:

آیا دنیا می‌تواند قبول کند، حکومتی که نمی‌تواند کنترل دقیقی بر ترقه‌ها داشته باشد، به انرژی هسته‌ای و بمب اتم دست یابد؟ چه تضمینی وجود دارد که یکی از همین شب‌ها، ایرانی‌ها یك بمب اتم را در اسرائیل منفجر نکنند و با پرش از سوریه به نوار غزه، نوای (زردی من از تو، سرخی تو از من) سر ندهند؟ ما به آژانس انرژی اتمی امر می‌کنیم که وجود چهارشنبه‌سوری را به عنوان یکی از ادله مهم در جهت نقض معاهدات و نیز عدم شایستگی ایران در دستیابی به انرژی اتمی منظور گرداند.

مجری رمانتیک یک شبکه (بشکن و بالابنداز) لوس آنجلسی:

فی‌فی‌جون از تهران نوشته، چقدر این لباس رکابی به من میاد، اما بهتر بود موهام رو استخونی می‌کردم. مرسی فی‌فی‌جون، مرسی، دوستت دارم. راستی، فی‌فی‌پرسیده چهارشنبه‌سوری چیکار کنه... . عزیزم، روسریت رو در بیار و پاچه‌های شلوارت رو بکش بالاتر، روژ شرابی بزنی و سایه‌ها هم بهتره صورتی باشه، لاک رو هم تیره بگیر، اینجوری هم تو مُدی و هم جلب توجه می‌کنی و هم حال این حزب‌اللهی‌ها رو می‌گیری... اگه هم اونا گرفتنت که این یه قضیه دیگه‌س!

رادیو مجاهدین:

برادر مسعود رجوی، طی پیامی به ملت ایران، دستور اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری را صادر کرد. در همین راستا، رئیس‌جمهور منتخب خلق، مریم رجوی از سازمان‌های بین‌المللی، خواست تا با اعزام ناظران خود به ایران و مشاهده استقبال مردم از این دستور، که تحت شدیدترین تدابیر امنیتی رژیم آخوندی صورت می‌گیرد، به میزان مردمی بودن سازمان مجاهدین خلق و مقبولیت رئیس‌جمهور رجوی پی برند؛ زنده باد رجوی، نابود باد... .

سرود شبکه جوان:

آتش‌کاران، دلاوران، نام‌آوران پرسوز باشید، پرتوان، پرصدا... .

یک معتاد:

چهارشنبه سوری خیلی بده، این دولت جای این‌که آدمای محترمی مثل ما رو جمع کنه، باید این چهارشنبه‌سوری رو جمع کنه... چه معنی می‌ده این همه زغال خوب؟! دل آدم کباب میشه! این همه زغال و آتیش، اونهمه دود و دم... اما چه فایده، آفتابه لگن هفت دشت، نشنگی و توهم هیچی!

جاسوس یک سرویس امنیتی خارجی:

مطابق مشاهدات اینجانب، مأمور SVOO24P که از غروب سه‌شنبه تا نیمه‌شب در میان جمعیت حضور داشتم، میزان صدا و نیز توان انفجارهای تولیدشده در برخی اماکن، از جمله مناطق ۰۵، S6، P5 و N9 از عهده گوگرد، باروت و حتی تی‌ان‌تی فراتر بوده است و همان‌گونه که مأمور VS24SS هم گزارش کرده، استفاده از اورانیوم رقیق‌شده در برخی از این بمب‌ها کاملاً محتمل است. همچنین توان مهمات‌سازی ایرانی‌ها نیز اعجاب‌آور توصیف می‌شود.

يك اژدها به دوستش:

چهارشنبه سوري از تو خونه تكون نخور، پارسال رفته بيرون، همچين منفجر كردن كه دماغ و دهنم سوخت، آتيش دونم هم ترك برداشت!

يك استاد دانشگاه از هفت دولت آزاد:

در حالي كه در ممالك مترقي و پيشرفته، براي زنده نگه داشتن سنتها و جشنها، هر سال هزاران كشته مي دهند، يك عده مرتجع محافظه كار، به خاطر كور و كچل و تلف شدن چند صد نفر آدم، دايماً اعتراض مي كنند. اينها هيچي نمي فهمند، به خصوص از اومانيسم!

اينم از مطالب چهارشنبه سوري، ولي هنوز تموم نشده به قسمت ديگه داريم:

"آيت الله صافي گلپايگاني استفاده از ترقه و مواد محترقه را از مصاديق لهو اعلام كردند." پس دولت كريمه هم با اينكه اصولگراست خيلي لهو و لعب دوسته، چون مراكزي را براي اجراي برنامه هاي چهارشنبه سوري در نظر گرفته بود. ديگه در مورد اين چهارشنبه حرف كافيه، بريم سراغ بقيه.

من به هيچ وجه اعصاب ندارم چون توي روزنامه خوندم، چهار دختر اصفهاني به همراه سرويس مدرسه درون كانال آب «سنسور» سقوط کرده اند و مرده اند. خدایي آدم توی کار این اتوبوسها و هواپیماها بدجور می مونه. بخصوص این اتوبوسها نمی دونم چرا هی به سمت دره، كانال آب و... كشيده می شوند؟ اين موضوع حتی از پيدا كردن شيوه درمان ايدر هم مهمتر است. به نظر می رسد اگه يك تيم كارشناسي تشكيل بشه تا مشخص كنن اين رانندگان محترم اتوبوسها چه علاقه ای به ته دره یا كانال آب دارند؟ بخصوص وقتی دانشجو، دانش آموز و یا جمعی نوپسند و... را سوار می كنن.

سئوالات: آیا این رانندگان محترم برخاسته از ته دره یا كانال آب هستند كه اينگونه به مولانا و اين شعرش «هر کسی كو دورماند از اصل خویش، بازجوید روزگار وصل خویش» اداي دين می كنند؟ آیا قضيه اصلی در ته دره یا كانال آب پنهان شده؟ چگونه ممكن است كه این همه راننده با اتوبوس سقوط می كنند؟ آیا نباید بعضی رانندگان تست باد كردن بادكنك را محض اطمینان انجام دهند؟

همانطور كه می دانید اين چند مدت بحث اصلی روزنامه ها یا قطع درختان جنگل لویزان به خاطر رد شدن اتوبان از وسط اين جنگل است، یا انرژی هسته ای (اه اه، بس كه در باره انرژی هسته ای گفتن كه دارم خفه ميشم). همانطور كه باز هم می دانید دادسرای تهران حق را به شهرداری و دستور به ادامه قطع درختان و ساخت اتوبان داده، اما خدایي من مانده ام توي كار اين درختان و جنگل ها كه چرا كلاً اين موجودات وسط راه جاده و اتوبان سبز شده اند؟ راستی هيچ توجه کرده ايد ما n ساله كه در حال ساخت جاده تهران _ شمال هستیم كه فقط نیم ساعت زودتر به مقصد برسيم. هيچ توجه کرده ايد كه ما در همه جا و همه حال در حال ثابت كردن شباهت محیط زیست با تحصیل رایگان هستیم؟ اگر کمی فكر كنيم (كار سختی نیست، تمرین كنيم یاد می گیریم!) متوجه می شيم هر دوی اينها (محیط زیست و تحصیل رایگان) شباهت زیادی به كلك دارند!

چون اين چند هفته بحث قطع درخت داغه داغه و در جهت كباب شدن دل دوستداران درخت و جنگل و طبیعت، بالاخره من ثابت كردم: ای درخت حياكن، جنگل را رها كن و یا ای جنگل حياكن، اتوبان را رها كن! و حيف كه اين درخت و جنگل آدم نيستند كه بگم آخه چرا شماها توي اتوبان در اومدين، مگه خودتون ناموس ندارين، هان؟! و البته اتفاق مهمتر اينه كه مشكل آن دسته از مردم كه توي دلشان پرسیده بودند چرا اين درختان را شبانه قطع کرده اند، به راحتی حل شد. چرا كه مجوز دادسرا اين اجازه را می دهد كه حتی در روز درختان را قطع كنند و از اين بابت درختان لویزان با درختان قطع شده حاشيه زاینده رود همدردی، همذات پنداری، همدلی، همكاری، همیاری، همبستگی و... می كنند.

من وقتی به يه چیزی گیر می دم، كلاً گیر می دم، حداد عادل گفته كه: ((چرا معترضان به اين اقدام شهرداری در گذشته وقتي درختان باغهاي شميران را شبانه قطع مي كردند و يا در ساير موارد مشابه، اين همه بحث و سر و صدا نكردند ضمن اينكه اگر شهرداری در قطع درختان خطايي هم مرتكب شده باشد با توجه به ۵/۲ ميليون درختي كه فقط در روز درختكاري و در كمربند سبز اطراف تهران كاشته، جبران خسارت کرده است.)) عين خبر را آوردم كه نكين دست

بردم توی متن. بابا رو را برم، سنگ پا، خداییش خیلی رو میخواد آدم از این حرفا بزنه. من که از رو رفتم. (البته از رو رفتن منو بشنو و باور نکن، ما همچنان در سنگرها هستیم.) جنگل های لویزان! آسوده بخوابید که اتوبان بیدار است!!!

ماجراهای يك تیترا را بخونید ببینید چه میکنن این روزنامه ها با زبان پارسی!

من این تیترا بسیار گویا، واضح و اساسی را که از یکی از روزنامه های مهم و کثیرالانتشار کشور برداشتم برایتان می نویسم: «شهرداری، ساخت و ساز و قطع درختان لویزان را از سر گرفت.»

تفسیر خبر: «شهرداری در يك لحظه می تونه هم درختان را ساخت و ساز کند و هم آنها را قطع کند!»

نتیجه خبر: ۱- بعضی ها ستاره های تمام نشدنی آسمان روزنامه نگاری هستند. ۲- من بعد از این به جای کاشت درختان می گویم ساخت و ساز درختان (احتمالاً چیزهایی نظیر ساختمان، اتوبان، پارک و... را می کارند!) ۳- کاربرد تیترا چیزی شبیه کشك است. ۴- ما تیترا می زنیم، پس هستیم! ۵- ای شهرداری، تو چه استعدادهای نهفته ای داری!

به خبر باحال دیگه:



((تا چند روز دیگر خورشیدگرفتگی در کشور نیجریه رخ خواهد داد؛ به همین دلیل مسئولان این کشور به تکاپو افتاده اند تا مبادا وقایع سال ۲۰۰۱ تکرار شود. در آن سال خورشیدگرفتگی در نیجریه رخ داد و چون مردم این کشور با آن آشنایی نداشتند تصور کردند شیاطین آنها را تسخیر کرده اند به همین دلیل در شهرهای این کشور هرج و مرج رخ داد. همین موضوع باعث شده تا این بار دولت اطلاع رسانی گسترده ای در این رابطه انجام دهد تا مردم دچار ترس نشوند.))

من تا حالا فکر می کردم ما ایرانیا خیلی خرافاتی هستیم، بین تو نیجریه مردم چی کارها میکنن. خداییش تو این مسایل، ماها خیلی فهمیده و عاقل هستیم.

بس که توی این مدت درباره انرژی هسته ای گفتن، دیگه داره حال من یکی بهم میخوره، ولی ایران، آمریکا را تهدید کرده که میتونه بهش

آسیب برسونه، به نظر میاد که هم از طریق انگولک توی بازار نفت، که قیمتها یهو بره بالا و محبوبیت بوش خدا شناس بیاد پایین، هم از طریق راه انداختن بورس آسیایی نفت و معامله با یورو که ضربه محکمی به بدنه دلار آمریکا (ذلیل شده، هر چی میکشم از این دلارهای مرده شور برده ست. ولی این مرده شور برده ها هم خوب چیزی هستن، خداییش.) است. بابا، این حکومت ما هم بد سیاستمدارایی نداره ها، بعد از این تهدید بود که دولت ایالات متحده گفته که ما راه حل سیاسی را بیشتر دوست داریم. (شما ها آدم نمیشین، باید زور بالاسرتون باشه تا زبون درازی نکنین؟! هی ما حرفاتونو نشنیده می گیریم، شما پر رو تر میشین؛ حالا یکم با این تهدید حال کنید تا بعد.) این سیاستمدارای ما هم میدونن از هر مطلب کجا استفاده کنن. دست خوش.

خبر را می خونیم: «۱۱ دانشجوی دانشگاه واحد شیراز به علت اعتراض به وضع خوابگاه ها از نظر تغذیه و بهداشت، اخراج شدند.» خبر را يك بار دیگر می خوانیم (اتفاقی نمی افتد) همین طور پشت سر هم هی خبر را می خوانیم و پیش خودمان فکر می کنیم، لابد باید اخراج می شدند دیگر! مگر چرا دانشجوی؟ آیا چرا اعتراض؟ اصلاً چرا دانشجوی مربوط است به خوابگاه؟! آیا غذا هم چیزی است که آدم خودش را به خاطرش اخراج کند؟ از آن بی اهمیت تر بهداشت است! دانشجوی چه ربطی دارد به بهداشت؟ مگر تو که اخراج شدی دانشجوی بهداشت بودی که این قدر خودت را اعتراض کردی؟ آن هم ۱۱ نفری! تو اگر دانشجوی بودی درس می خواندی و تغذیه روحی می شدی!

این دانشجویها هم معضلی واسه ما شدن. اگه میدونستم، که دانشجوی نمی شدم. حالا کار تون به جایی رسیده که نمیدارین شهدای گمنام را توی دانشگاه دفن کنن. مگه شما کی هستین؟ بسیج میتونه رهبر را هم بیاره توی کلاسهای شما دفن کنه. حالا رییس دانشگاه رو کتک می زنید؟ حالا دیگه انجمن اسلامی را هم با خودتون یکی کردین؟ آخه انجمن تو چرا؟ تو که آدم خوبی بودی. تو همونی بودی که بعد از جنگ پدر دانشجوی ها را در می آوردی. تو

چرا؟ حالا با هم تربیون آزاد تشکیل میدین؟ اونم توی دانشگاه؟ ای عوامل نفوذی، ای امپریالیسم، ای صهیونیسم، ای نازی، ای نژاد پرست، ای آزادی طلب خدا نشناس، ای غرب زده شرق خورده!!! حالا کلاس ها رو تعطیل می کنید؟ حالا میخواین بسیج را تعطیل کنید؟ حالا به این رزمندگان غرب ستیز و سربازان گمنام میگین وحشی؟!

به همتون صفر میدم. همتونو مشروط میکنم. ترم بعدی بیشتر از ۱۴ واحد نمی تونید بردارید. حالا ببینید. (گفتنی است بعد از تجمع اعتراض آمیز در اعتراض به حکم اعدام هاشم آفاجری که پاییز ۸۱ در دانشگاه صنعتی شریف به درگیری، خشونت و زد و خورد کشیده شد، این اولین بار است که دانشگاه صنعتی شریف صحنه ی چنین آشوب هایی می شود. این در حالی است که اتفاق چند روز گذشته، از نظر شدت به مراتب بزرگ تر از حادثه ی سال ۸۱ بود.)



حالا هی ما خودمان را با آنفلوآنزای مرگی کاری نداریم، اما این موجود خبیث، این مرده شور برده خودش با ما کار داره. ما فراموشش کردیم شاید خودش آدم بشه، نشد که نشد. تازه خبر می دهند این آنفلوآنزا دقیقاً رفته، کشور آلمان، همانجایی که ما قرار است برای تیم ملی فوتبالمان کمپ بزنیم، جا خوش کرده و تکان نمی خورد، حالا بگین چرا دست از سر این آنفلوآنزا برنمی داری. حالا باید بره دقیقاً همان جایی که ما می خواهیم اردو بزنیم، تپ بشه؟ ای الهی که به زمین گرم بخوری و نفهمی که به کجا خوردی! ای الهی که جوون مرگ بشی که می خوای حال ما را بکنی تو قوطی! ای آنفلوآنزا! ای مرگی! الهی که سر تخته بشورنت! ای الهی که مشت محکم بخورد در دهانت! چند تا عکس باحال و بدون شرح هم واستون آماده کردم:

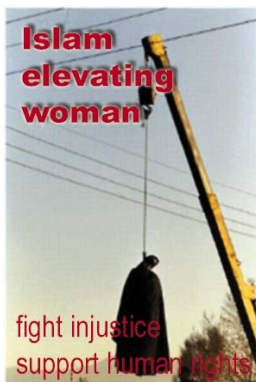


خوب اینم مطالب این شماره ما بود، بازهم سال نو را به همتون تبریک میگم. واستون بهترین آرزوها را دارم. امیدوارم که سال ۱۳۸۵ سال شما دوستان مهربونم باشه. همتون را از ته دل دوست دارم. این سال را به عشقم هم تبریک میگم، عزیزم، لحظه تحویل سال اگرچه پیشت نیستم، ولی با یاد تو هستم، واسه تو بهترین آرزوها را دارم. دوستت دارم.

نامه یک همجنسگرا به رئیس جمهور پیشین ایران

در زیر توجه شما را به قسمت هایی از نامه ای که یک همجنسگرا در سال ۲۰۰۱ برای آقای خاتمی رئیس جمهور وقت ایران نوشت جلب می کنیم. درست است که زمان زیادی از آن گذشته است اما نکات لطیفی در آن دیده می شود که ارزش انتشار آن را دارد.

حضور محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران
جناب آقای محمد خاتمی



من یک ایرانی هستم که مجبور شدم کشورم را به دلیل اینکه به رژیم اسلامی اعتقادی نداشتم ترک کنم. داشتن حق اظهار نظر از پایه ترین حق انسانی یک نفر محسوب می شود که "تمدنی" که شما از آن سخن به میان آورده اید پذیرای آن نیست.

پدر مرحوم من به اسلام به عنوان دین برتر و صلح جو اعتقاد داشت و حتی بارها به حج رفته بود. اما وقتی که رژیم اسلامی خواهر ۲۳ ساله مرا به جرم دیدگاه سیاسی اش اعدام کرد دیگر علاقه اش را به اسلام از دست داد و شما دیگر نمی توانستید هیچ نمازخوان و یا قرآن خوانی را در خانه ما پیدا کنید. پدر من یک خدانشناس شد که من در آن روزها ۱۸ سال داشتم و کمتر از آنچه که امروز می دانم می فهمیدم.

من از شما سوالی دارم، به نظر شما چه دلیلی موجب می شود که مردم کشورهای به اصطلاح اسلامی می خواهند جامعه خودشان را ترک کنند و به محض اینکه موقعیتی را پیدا کنند در غرب پناهجو می شوند؟ ۳ تا ۴ میلیون ایرانی کشورشان را ترک کرده اند و قسمت عمده آن در دوران ریاست جمهوری جنابعالی بوده است. شما تجاوز را در رژیم های دیکتاتوری محکوم می کنید اما در طول این ۴ سال که شما در قدرت بوده اید شما هم بسیاری از قول هایی که درباره مردم سالاری داده بودید را زیر پا گذاشتید.

هفته گذشته در مقابل نمایندگان سایر جهان در سازمان ملل شما به گفتگوی بین تمدن ها اشاره کردید. آیا به نظر شما دنیا گفته های شما را جدی می گیرد در حالیکه "مدنی" که شما در مورد آن سخن می گوید چیزی به جز بدبختی و جنایت بر سر مردمش نیاورده است؟!

هفته جاری تیم فوتبال ایران و ایرلند در تهران بازی خواهد کرد و تا به حال ۳۰۰ بلیت برای زنان ایرلندی فروخته شده که به تماشای فوتبال کشورشان بنشینند و لذت ببرند اما همچنان شرکت زنان در تماشای مسابقات ورزشی ممنوع است.



من همجنسگرایی هستم که جنسیت خودم را پذیرفته ام و با احساسم کاملاً راحت هستم. اینجا در غرب نه تنها قانون از حقوق من حمایت می کند بلکه خانواده، دوستان و خانواده شریک جنسی ام ما را پشتیبانی و حمایت می کنند. در ایران تحت آن "مدنی" همجنسگرایان نه تنها از طرف خانواده مطرود هستند بلکه با توجه به قانون مجازات اسلامی محکوم به اعدام هستند. قانونی که از زمان قدرت گرفتن رژیم اسلامی بر جای نشست. شما مدعی قوانین ایران اسلامی هستید به عنوان محوده "تمدن" که هزاران همجنسگرا در آن اعدام شده است.

مدنی مورد نظر شما چه هدیه خواهد آورد وقتی که دادستان قضایی آقای محمد گیلانی اعلام می کند که "آتشی بر پا کنید و هر شخصی را که همجنسگرایی کرد در آن بیندازید"؟

آقای رییس جمهور،

من از امکان محکوم شدن به غرب زدگی و مجذوب فرهنگ و تمدن غرب شدن ترسی ندارم. اگر شما جنس بهتری را دارید، ارایه دهید و مرا به آن جذب کنید. اما تا آن زمان من مفتخر به فرهنگ غرب هستم که تا هم اکنون نسبت به آن عادت کرده ام همانطور که میلیون ها زن و مرد در این کشور عادت کرده اند.

لطفا از گفته های من اشتباه برداشت نکنید. منظور من این نیست که من همیشه موافق سیاست های خارجی ایالات متحده امریکا هستم. ارزشی را که من به غرب می دهم که امریکا را هم شامل می شود ارزشهای است مثل حقوق بشر، حقوق زنان، همجنسگرایان و اقلیت های دینی و قومی، دگراندیشان، مردم سالاری، آزادی و ... است. به طور واضح در اینجا چیزی برای سهم دادن و تقسیم کردن با بن لادن یا طالبان وجود ندارد و یا با "مدنیته" که شما از آن سخن می گوئید.



مردم سالاری، حقوق بشر، حقوق همجنسگرایان و غیره دستاوردهای غرب است همچون تلفن، برق، اینترنت و ... اینها باید به همه انسان ها تعلق داشته باشند که مشکلات بشر که در این کره زندگی می کنند، از بین برود. شما را به آن خدا و دینی که دارید حکومت را از تحت فشار قرار دادن مردان و زنان دور نگه دارید.

یک ایرانی در غرب

۱۸ نوامبر ۲۰۰۱

فیلم آتشی که می سوزاند

مهرناز خجسته - مدیریت پروژه سیمای همجنسگرایان ایرانی



نام فیلم: آتشی که می سوزاند

موضوع فیلم: داستانی

کارگردان: کریستوف مالاوی (Christophe Malavoy)

بازیگران: نارل ماراندین، کلامنت وان در برگ، کریستوف مالاوی، میشل آمونت

مدت: ۹۱ دقیقه

محصول: فرانسه - ۱۹۹۷

این فیلم داستانی که برگرفته از رمانی است به نام "سرزمینی که پادشاهش کودک است"

نوشته داستان نویس مشهور فرانسوی، هنری مونترلانت است. این فیلم که بارها از شبکه GAY TV پخش شده است به نمایش روزگار قبل از جنگ جهانی دوم می پردازد.

در مدرسه کاتولیکی در پاریس یک روابط عاشقانه بین دو شاگرد مدرسه وجود دارد. آندره که دانش آموز فلسفه است و دل باخته ی ساپلیر دانش آموز جوان تر می شود. این دو پسر که روابط خود را از چشم همه پنهان نگه داشته اند برای نزدیک شدن، به چشمه های آب و غار و ... پناه می برند. در این میان دبیر مدرسه، ابوت پرادتس که نقش آن را کارگردان فیلم بازی می کند نسبت به روابط شاگردان حساس است.



وی که از معشوق جوان آندره یعنی ساپلیمر خوشش می آید، یک شب متوجه می شود که دو نفر در انباری هستند و با توجه به شک قبلی خود نسبت به آندره آنجا را سرکشی می کند و آن دو غافلگیر می شوند. روابط عاطفی و عاشقانه ی این دو پسر جوان با وجودی که از نظر همگان

مخفی بوده در میان حسرت مبارزه ای قرار می گیرد که یک سوی آن دبیر مدرسه کاتولیک که کشیشی بلند قامت است واقع می شود و طبیعتاً رقیب کوچکتر یعنی آندره مغلوب گشته و از مدرسه کاتولیک اخراج می شود.

در کنار این وقایع پدر روحانی و کشیش کلیسا است که در امور کم و بیش از ماجرا مطلع است و وی دبیر را تنها گیر آورده و وی را مورد نکوهش در مورد رفتارش قرار می دهند اضافه می کند که وی برای گسترش محبت آمده است نه جدایی انسان ها از یکدیگر.



هنری مونترلانت نویسنده این داستان در سال ۱۸۹۶ در پاریس در خانواده ای کاتولیک متولد شد و بسیار زیبا با نگاشتن و تجسم شرایط ویژه آن دوره کاملاً آشناست و ماهرانه بوسیله کلمات به تصویر می کشد. آن قدر که اکنون در پاریس چندین بنا به یاد وی نام گذاری شده است.

میزگرد

پویا

با سلام

من پویا هستم؛ نمی دانم با من تا چه اندازه آشنا هستید، من نویسنده (بهرتر بگویم گرداننده) ستون "من هم هستم" در مجله سه کاف هستم. ستونی مربوط به اقلیتهای جنسی در یک مجله ای که بیشتر مطالبش مربوط به اکثریت بود.

می خواهیم در اینجا ستونی به نام میزگرد ایجاد کنیم که نویسنده های این ستون شما خواهید بود و من به عنوان مجری، مطالب شما را در کنار همدیگر قرار می دهم.

ما جامعه اقلیت جنسی داخل ایران به علت محدودیتهای فراوان، معمولا ترجیح می دهیم که در جمع پنهان بمانیم و با دیگر افراد جامعه اقلیت ارتباطی نداشته باشیم. این عدم ارتباط نه تنها در بین افراد این جامعه، بلکه بین این جامعه و دیگر جوامع اقلیتهای جنسی در کشورهای دیگر است. ما در این میزگرد مجازی به دور هم خواهیم نشست و در مورد مسایل مختلف که فرهنگ ما اقلیتها را می سازد، بحث و تبادل نظر می کنیم و نظرات و عقاید خود را بدون محدودیت و شجاعانه ابراز و به بوته نقد دیگران می گذاریم تا این فرهنگ نوپا را پرورش بدهیم.

هم چنین در کنار نظرات دوستان داخل کشور، از نظرات دوستان خارج از کشور نیز استفاده می کنیم تا در انتهای هر میزگرد به یک جمع بندی دقیق و منطقی در مورد موضوع مورد بحث برسیم. البته از آنجایی که افراد اقلیت جنسی از هر طبقه و تحصیلات و طرز فکری هستند ما می توانیم نظرات متفاوت و جالب توجهی را داشته باشیم.

ضمنا حتما لازم نیست که به طور مثال اگر موضوع مربوط به لزبینها بود فقط آنها در بحث باشند؛ بلکه با ابراز نظر سایر افراد جامعه اقلیت، بحثها پخته تر و جامع تر خواهد شد. پس افراد دور این میز تمام اقلیتهای جنسی داخل و خارج از کشور هستند.

در هر شماره از نشریه، موضوع شماره بعدی (البته پیشنهادهای شما در اولویت خواهد بود) انتخاب می شود تا شما نظرات خود را برای ما بفرستید. لطفا نظرات کوتاه و مختصر باشد و نامی که می خواهید نظرتان با آن نام چاپ شود را در انتهای نظر بنویسید و همچنین اجازه ویرایش متن ارسالی را نیز به ما بدهید. در انتها می توانید موضوع مورد نظر خود را برای میزگردهای بعدی بنویسید. در صورت امکان مطالب خود را در قالب فایل های word و در صورت توان به فارسی بنویسید تا ویرایش آن راحتتر باشد.

طریقه ارتباط با من:

برای جلوگیری از تعدد آدرس های ایمیل و سردرگمی خوانندگان از آدرس خود نشریه یعنی همان **editor@pglo.org** استفاده نمایید و در قسمت موضوع (Subject) نامه بنویسید **میزگرد - پویا**. دوستان در نشریه چراغ مطالب را برای من ارسال می نمایند و در صورت لزوم به تماس یا پاسخ از سوی من باز از طریق همین ایمیل برای شما نامه ارسال خواهد شد.

لطفا نظرات و مطالب خود را در مورد موضوعات مطرح شده حداکثر تا دهم هر ماه برای ما بفرستید.

لطفا هر چه زودتر موضوعات پیشنهادی خود را برای میزگرد شماره های آینده ارسال کنید.

خبر خوشحال کننده ای در آخرین روزهای سال ۸۴

ترانه فروهر – دبیر دوم سازمان



سام همجنسگرایی که به دلیل شکنجه و ظلمی که بر او روا شده بود از ایران به پاکستان پناه برد و خود را به دفتر کمیسری عالی پناهندگان سازمان ملل در اسلام آباد معرفی نمود. با تحمل سختی ها و کم و کاست های فراوان و شکیبایی موفق شد که هدیه ای را در اواخر سال ۸۴ برای جامعه همجنسگرای ایرانی به ارمغان آورد که همان خبر قبولی و پذیرفتن پناهندگی وی بود.

سام در آخرین تماس تلفنی خود گفت: "من از تمام کسانی که مرا حمایت کردند و با ارسال ایمیل و نامه های پشتیبان کننده خود مرا یاری دادند تشکر می کنم. به خصوص از سازمان همجنسگرایان ایرانی - PGLO، سازمان دیده بان حقوق بشر - HRW، کمسیون بین المللی حقوق بشر همجنسگرایان - IGLHRC و سازمان بیمرز و همه و همه و آرزو می کنم که یک روز در کشور خودمان آزادانه زندگی کنیم."

ما هم از حمایت های شما سپاسگزاریم و امیدواریم که هر روز شاهد این خبرهای شادمان کننده باشیم

جلسات هفتگی در پالتالک

جلسات هفتگی ویژه ای در اتاق های پالتالک برگزار می شود که ورود برای عموم آزاد است و در آن اتاق ها به بحث و تبادل نظر در موضوعات مختلف جامعه LGBT ایرانی پرداخته و به بسیاری از سوالات شما پاسخ خواهیم داد.

این اتاق هر پنجشنبه ساعت ۲۱:۰۰ به وقت تهران به مدت یک ساعت باز خواهد بود.

اتاق های پالتالک: دسته **By Language/Nationally/Other**

نام اتاق: **Iran-Bahse dar Gay, Lesbian, Bisexual va Transgender**

این اتاق توسط آی دی **Arsham_Parsi (ID)** باز می شود که شما می توانید آن را در لیست خود اضافه کنید. برای دریافت نرم افزار پالتالک می توانید به آدرس **www.paltalk.com** مراجعه کرده و آن را به رایگان دریافت کنید.

در انتظار حضور شما در این جلسات هستیم

لطفاً دوستان خود را نیز مطلع سازید

دل بری

فریبا - اصفهان

درد و سال نو مبارک باد. همانطور که می دانید جشنواره اسکار را پشت سر گذاشتیم و این جشنواره تقریباً محل نمایش جدیدترین مدها و رنگ ها و ... هست که ما تصاویری از آن ها برای شما منتشر می کنیم. لطفا مدل های خود را برای من به آدرس نشریه ارسال کنید.



نظرخواهی

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که نشریه ماهانه چراغ در نظر دارد برای پیدا کردن نقاط ضعف و قدرت فعالیت خود در طول چهارده پیش شماره گذشته به جمع آوری انتقادات و پیشنهادات شما عزیزان پردازد. لذا از تمامی دوستان عزیز درخواست می‌گردد که در این همه پرسی شرکت کرده و ما را در راهنمایی یاری کنید تا آن باشیم که شما می‌خواهید. لطفا پاسخ خود را در پایان هر سوال بنویسید.

سعی شده بود در هر شماره موضوعی را مد نظر قرار دهیم. از نظر شما موضوعات انتخاب شده چگونه است؟

کیفیت نگارش و لحن مقالات، صفحه آرایی و ستون بندی نشریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ویرایش و تایپ متون و تنوع مطالب موضوعی را چگونه می‌بینید؟

نظر خود را در مورد طرح های روی جلد بیان کنید.

کیفیت و تعداد تصاویر بکار رفته در نشریه چگونه است؟

چه موضوعاتی تا به حال می‌بایست مطرح می‌شده که هنوز راجع به آن بحث نگردیده و اهمیت دارد؟

روند حرکت نشریه پیشرونده بوده یا پسرونده و نشریه خودتان را چگونه می‌خواهید؟

چه عنوان هایی را در نشریه می‌پسندید و خواهان افزایش آن‌ها هستید و نیز چه عنوان هایی را در نشریه نمی‌پسندید و ترجیح می‌دهید که حذف گردند؟

نشریه از نظر تعداد صفحات و حجم فایل های پی دی اف شده چگونه است؟

آیا ادامه کار نشریه چراغ را مفید می‌دانید؟

کیفیت سرمقاله ها چگونه است؟

پاسخ دهی به نامه های ارسالی شما به نشریه چگونه است؟

نظراتان را راجع به چاپ نشریه و ارسال آن به داخل کشور را بیان کنید؟

اگر نشریه چراغ در ایران به فروش می‌رسید آیا حاضر به خرید و پرداخت حق عضویت آن بودید؟

چنانچه موردی هست که در سوالات مطرح نشده است لطفا بیان کنید.

با ما باشیم

تماس با ما

برای تماس با قسمت های مختلف سازمان می توانید با دفتر روابط عمومی سازمان به آدرس پست الکترونیکی pglo@pglo.org تماس بگیرید. لطفا در قسمت موضوع نامه نام شخص مورد نظر را بنویسید.

❖ جناب آربین ورجاوندی

دیبر اول سازمان
aryan@pglo.org

❖ سرکار خانم ترانه فروهر

دیبر دوم سازمان
Taraneh@pglo.org

❖ جناب آقای آرشام پارسی

سخنگوی سازمان و
دیبر حقوق بشر سازمان
hrc@pglo.org

❖ جناب آقای پیام شیرازی

دیبر امور فرهنگی و
سرمدیر نشریه همجنسگرایان ایرانی - چراغ
editor@pglo.org

❖ سرکار خانم آرزو صالحی

مدیریت رادیو همجنسگرایان ایرانی - رها
radio@pglo.org

❖ سرکار خانم آوا هاشمی

دیبر نشریه هومن
pglo@pglo.org

❖ سرکار خانم مهرناز خجسته

مدیریت پروژه سیما همجنسگرایان ایرانی
pglo@pglo.org

❖ جناب آقای شایان رافعی

دیبر امور آموزشی
pglo@pglo.org

❖ جناب آقای پیروز مهرآئین

دیبر امور اجتماعی
pglo@pglo.org

❖ سرکار خانم سارا سالاری

مشاور اجتماعی
pglo@pglo.org

❖ جناب آقای مانی زانیار

دیبر امور سلامت
pglo@pglo.org

❖ جناب آقای صبا راوی

نماینده سازمان در هلند
saba@pglo.org

❖ جناب آقای بابک امیری

نماینده سازمان در فرانسه
babak@pglo.org

نمایندگان سازمان هیچ تماس حضوری برقرار نخواهند کرد، پس مراقب باشید